

استعمار فرانو

رویارویی زرسالاران افکار غرب با اسلام

مریم جمیله

بسم الله الرحمن الرحیم

استعمار فرانو: رویارویی زرسالاران اقتدار طلب با اسلام

نویسنده:

مریم حایک

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استعمار فرانو: رویارویی زرسالاران اقتدار طلب با اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : حایک، مریم

عنوان و نام پدیدآور : استعمار فرانو: رویارویی زرسالاران اقتدار طلب با اسلام / مریم حایک؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۸۸ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۸۳.

شابک : ۱۱۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۱۰-۴ :

یادداشت : کتابنامه: ص.[۸۷] - ۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : اسلام و استعمار

موضوع : استعمار

موضوع : فرهنگ زدایی

موضوع : استعمار فرهنگی

موضوع : اسلام و غرب

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۳۱/۴ /ح۲الف۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۰۸۳۷۸

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

ص:۵

دیباچه

دیباچه

استعمار به معنای تسلط بر کشورها و به تاراج بردن ثروت و منافع کشور زیر سلطه، همواره گونه‌های متفاوتی داشته است. در گذشته، استعمار از طریق هجوم و لشکرکشی به سرزمین‌ها و چیره شدن بر منافع و ثروت اقتصادی کشورهای مستعمره صورت می‌گرفت. در دوران استعمار نو، استعمار و غارت کشورها نه از راه نظامی، بلکه با اشغال سیاسی و کنترل هیئت حاکمه کشورها صورت می‌گرفت؛ ولی امروزه این تسلط شکل متفاوتی پیدا کرده است و آشکارا، چهره کریه خود را نشان نمی‌دهد.

در واقع، استعمارگران در شکل جدید استعمار می‌کوشند با تسلط پنهان و نامحسوس بر منابع حیاتی و مالی، سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را تحقق بخشند. در این شیوه جدید، ویژگی برجسته استعمار، مشروعیت بخشیدن به سلطه فرهنگی از طریق رسانه‌های جمعی به منظور تخریب عقاید و باورهای افراد کشورها به ویژه نسل جوان است. به تعبیر دیگر، این شیوه، شیوه‌ای از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی و سخت گذشته است که با بهره‌گیری از ارزش‌های موجود در فرهنگ و جذابیت‌های ایدئولوژیکی، موجب می‌شود یک فرد، گروه یا کشور، کاری کند که فرد، گروه یا کشورهای دیگر، همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد.

در استعمار فرانو، انسان‌ها به جای کشورها مورد هدف قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، استعمار فرانو، همه جهان را با تمام امکاناتش هدف قرار می‌دهد

و به کمک فن آوری اطلاعات و دانش ارتباطات، مرزهای کشورها را در هم می‌نوردد و با فرد فرد انسان‌ها به عنوان هدف استعماری خود ارتباط برقرار می‌کند. در چنین شیوه‌ای از استعمار، استعمارگران برای تسلط و کنترل همه جهان، برنامه‌های گسترده اقتصادی، نظامی و فرهنگی را طرح و سیاست‌گذاری می‌کنند.

در این راستا، آنچه مانع بزرگ و اساسی در راه استعمار فرانو، مانند دیگر شیوه‌های کهن و نو قرار می‌گیرد، اسلام و آموزه‌های ناب آن است که با هر گونه تظلم و پذیرش ستم و زیر بار تسلط دیگران بودن، مقابله می‌کند. برهمین اساس، استعمارگران در این شیوه جدید، در تقابل با اسلام، بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای مادی و معنوی امت مسلمان را هدف قرار می‌دهند و از راه تسلط بر فرهنگ کشورهای اسلامی، زمینه‌های تسلط اقتصادی و سیاسی خود را فراهم می‌آورند. آنان در این راه، از برنامه‌های گوناگونی سود می‌جویند؛ تضعیف باورها، تخریب هویت فرهنگی، گسترش فساد و تحریک مذاهب اسلامی بر ضد یکدیگر، از جمله ابزارهای استعمارگران در این زمینه است.

پژوهش حاضر که به قلم پژوهشگر ارجمند، سرکار خانم مریم حایک به بار نشسته است، می‌کوشد با ریشه‌یابی زمینه‌های استعمار فرانو، تبیین اهداف استعمارگران در این شیوه از استعمار و در نهایت، راه‌کارهای مقابله جوامع اسلامی با آنان را مشخص کند. امید است اصحاب رسانه از این پژوهش به خوبی بهره گیرند.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

«استعمار» از معدود واژه‌هایی است که همه ملت‌های محروم و ستم‌دیده جهان از آن تعریفی مشترک دارند. «تصرف دولتی قوی در مملکتی ضعیف، غصب اموال و پای مال کردن حقوق ملت ضعیف»،(۱) برداشت مشترک همه ملت‌های ضعیف جهان از واژه استعمار است.

نخستین حالت از چهره کریه استعمار که خود را به مردم جهان نشان داد، اشغال سرزمین ملت‌های ضعیف و حضور فیزیکی نیروهای بیگانه در آن سرزمین بود. با گذشت زمان، مقاومت ملت‌های مستعمره، استعمارگران را مجبور کرد تا برای غارت این کشورها، شیوه دیگری در پیش گیرند. اشغال سیاسی و کنترل هیئت حاکمه و دولت کشورهای ضعیف که «استعمار نو» نامیده شد، دومین حالت از چهره استعمار بود. پس از چندی، این شکل از استعمار نیز در نظر استعمارگران، کارآیی خود را از دست داد و همین امر سبب شد تا استعمارگران به حالت دیگری از استعمار روی آورند؛ حالتی که متناسب با ویژگی‌های عصر کنونی است و «استعمار فرانو» نامیده می‌شود.

۱- نک: علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۵.

استعمارگران استعمار فرانو، با آگاهی از رویارویی همیشگی دین اسلام با شکل‌های متفاوت استعمار و با توجه به ویژگی‌های استعمار فرانو، اسلام را بزرگ‌ترین مانع تحقق اهداف استعماری خود می‌دانند و با تمام توان، به مقابله شدید و گسترده با آن پرداخته‌اند.

حال این پرسش مطرح است که برنامه‌های مسلمانان و جوامع اسلامی به ویژه سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با برنامه‌های استعمار فرانو چیست؟ هدف این پژوهش، تبیین سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی برای مقابله با استعمار فرانو است.

این کتاب پنج فصل دارد. در فصل اول، پس از طرح موضوع پژوهش و اهمیت آن، به تعریف مفاهیم کلیدی به کار رفته در پژوهش، توضیح هدف، پرسش‌ها، فرضیه، روش، پیشینه و کاربرد رسانه‌ای پژوهش پرداخته‌ایم. در فصل دوم، برنامه‌های کلی استعمار فرانو و در فصل سوم، تقابل استعمار فرانو با اسلام بررسی می‌شود. فصل چهارم کتاب، به توضیح برنامه‌های جوامع اسلامی در مقابله با استعمار فرانو پرداخته است. در فصل پنجم نیز با عنوان همراه با برنامه‌سازان، محورهای مهم برنامه‌سازی در سازمان صدا و سیما برای مقابله با استعمار فرانو توضیح داده شده است.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

طرح موضوع

اهمیت پژوهش

مفاهیم کلیدی

هدف پژوهش

پرسش‌های پژوهش

فرضیه پژوهش

روش پژوهش

پیشینه پژوهش

کاربرد رسانه‌ای

طرح موضوع

اشاره

طرح موضوع

«استعمار فرانو» یا «استعمار پسامدرن»، مرحله‌ای از گسترش و تطور رویکرد استعماری است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، هم زمان با فروپاشی نظام دوقطبی در صحنه بین‌الملل آغاز شد. در این نوع استعمار، برخلاف استعمار کلاسیک و استعمار نو، نه استعمارگر، یک دولت و نه هدف از استعمار، تسلط بر منطقه یا کشور ویژه‌ای است. همچنین روش‌های استعمارگران در استعمار فرانو، با استعمارهای کلاسیک و نو متفاوت است. مفهوم استعمار فرانو، در پاسخ به پرسش‌های زیر تشریح می‌شود:

۱. استعمارگر کیست؟

در استعمار فرانو، استعمارگر، طبقه‌ای اجتماعی به نام «زرسالاران اقتدارطلب» است که برای تحقق اهداف استعماری خویش، با نفوذ در دولت‌ها، آنها را در حد توانایی و قدرت خود و همچنین بر اساس آمادگی این دولت‌ها، هدایت می‌کند.

۲. مستعمره چیست؟

تک‌تک انسان‌ها به‌عنوان مستعمره‌های ارزشمندی هستند که استعمارگران قصد تصرف و سلطه بر آنها را دارند.

۳. هدف استعمارگران چیست؟

هدف زرسالاران اقتدارطلب، غارت منابع حیاتی و مالی همه دنیاست و این هدف، با سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کامل و همه جانبه بر افراد بشر تحقق می‌یابد.

۴. روش‌های استعمارگران چیست؟

سردمداران استعمار فرانو می‌کوشند تا حد امکان، با بهره‌گیری از روش‌های غیرنظامی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، بر همه جهان، به صورت تدریجی و همه جانبه تسلط یابند. در استعمار فرانو، اولویت در استفاده از روش های فرهنگی است.

با توجه به آنچه در توضیح استعمار فرانو بیان شد، استعمارگران یا زرسالاران اقتدارطلب در تحقق اهداف استعماری‌شان با مانع بزرگی به نام دین اسلام روبه‌رو هستند. اسلام با هرگونه استعمار و استثمار مخالف است و با آن به مبارزه برمی‌خیزد. البته مخالفت و تضاد اسلام با استعمار فرانو، به واسطه ویژگی‌های خاص آن، از جمله حوزه فعالیت بسیار گسترده استعماری آن و ماهیت استعمارگران، بسیار سخت‌تر و جدی‌تر است. شیوه تقابل استعمار فرانو با اسلام، موضوعی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش

در بررسی جایگاه و اهمیت مسئله استعمار فرانور آن در رویارویی با اسلام، توجه به نکته‌های زیر ضروری است:

۱. دین اسلام، خواهان آزادگی، سیادت و استقلال همه انسان‌هاست و با هرگونه چپاولگری، استعمار و استثمار مخالف است.

۲. اسلام در اندیشه اصلاح جهانی است و همه پیروان آن موظفند زمینه تحقیق این هدف را فراهم سازند.

۳. دوران استعمار نو پایان یافته است و استعمارگران دوران دیگری از استعمار نامحسوس بشر را با عنوان استعمار فرانو آغاز کرده‌اند.

۴. سردمداران استعمار فرانو، اسلام را بزرگ‌ترین مانع تحقق اهداف استعماری خویش می‌دانند.

۵. بخش عمده اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های استعمار فرانو، مبارزه با اسلام و استعمار جوامع اسلامی است.

۶. استعمار جامعه‌های اسلامی، با تسلط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر مسلمانان صورت می‌پذیرد.

۷. استعمار فرهنگی قدمه و زمینه‌ساز تحقق استعمار اقتصادی و سیاسی است.

۸. جریان استعمارپذیری بسیار تدریجی و نامحسوس است.

مفاهیم کلیدی

اشاره

مفاهیم کلیدی

در این پژوهش، چند مفهوم کلیدی مطرح است که عبارتند از:

۱. استعمار فرانو

استعمار فرانو، شیوه استعماری تازه‌ای است که در آن، زرسالاران اقتدارطلب می‌کوشند با سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کامل، تدریجی و نامحسوس بر انسان‌ها، همه منابع حیاتی و مالی جهان را غارت کنند. استعمارگران استعمار فرانو، استعمار فرهنگی را در صدر برنامه‌های استعماری خویش قرار می‌دهند و سلطه فرهنگی را مقدمه و زمینه‌ساز سلطه اقتصادی و سیاسی می‌دانند.

۲. زرسالاران اقتدار طلب

طبقه‌ای اجتماعی هستند که در قالب نظام سرمایه‌داری، رفتارهای خویش را سامان‌دهی می‌کنند. زرسالاران اقتدارطلب درصدد هستند با تکیه بر قدرت اقتصادی و بهره‌گیری از دیگر منابع قدرت، همه منابع حیاتی و مالی جهان را در اختیار بگیرند.

۳. استعمارستیزی اسلامی

این امر به معنای مبارزه با هرگونه استعمار و استثمار یا مدیریت نظام جهانی، مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ مادی، با استفاده از مفاهیم اسلامی است.

۴. رسالت رسانه ملی

با توجه به اینکه تهاجم فرهنگی، تبلیغی و خبری زرسالاران اقتدارطلب، با بهره‌گیری از «امپریالیسم رسانه‌ای» صورت می‌گیرد، مبارزه با این تهاجم‌ها، نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای است. رسانه ملی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق و شیوه‌های رفتاری جامعه، در مقابله با استعمار فرانو، رسالت بسیار بزرگی دارد.

هدف پژوهش

هدف پژوهش

هدف پژوهش، «ارائه سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های پیشنهادی، به منظور مبارزه با استعمار فرانو» است. موارد زیر راه‌های دست یابی به این اهداف است:

۱. بررسی مفهوم استعمار فرانو و ویژگی‌های آن؛

۲. بررسی استراتژی جهانی استعمار فرانو؛

۳. بررسی برنامه‌های جهانی استعمار فرانو؛

۴. بررسی برنامه‌های استعمار فرانو در رویارویی با اسلام و مسلمانان به‌ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران؛

۵. بررسی برنامه‌های اثرگذار و مفید نظام اسلامی در مقابله با استعمار فرانو؛

۶. بررسی سیاست‌های فعلی نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با استعمار فرانو؛

۷. بررسی رسالت صدا و سیما در مقابله با استعمار فرانو.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش

۱. استعمار فرانو چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

۲. استراتژی جهانی استعمار فرانو چیست؟

۳. برنامه‌های جهانی استعمار فرانو چیست؟

۴. استعمار فرانو در مقابل اسلام و مسلمانان به ویژه جمهوری اسلامی ایران چه برنامه‌ها و اهدافی دارد؟

۵. برنامه‌های مؤثر مسلمانان و جوامع اسلامی برای مقابله با استعمار فرانو چیست؟

۶. سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با استعمار فرانو چیست؟

۷. رسانه ملی صدا و سیما در سیاست‌ها و برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با استعمار فرانو چه نقشی دارد؟

فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش

با توجه به اینکه اساس استعمار فرانو، استعمار فرهنگی است، جوامع اسلامی باید از یک سو، با شناخت عمیق و مستدل عملکرد و اهداف حقیقی زرسالاران اقتدارطلب و از سوی دیگر، با اجرای برنامه‌هایی برای

تقویت اندیشه‌های اسلامی، مبارزه با فساد، تقویت هویت ملی اسلامی، معرفی الگوهای اسلامی، ایجاد وحدت در میان مذاهب اسلامی و تصویرسازی مثبت از اسلام، با استعمار فرانو به مقابله برخیزند.

روش پژوهش

روش پژوهش

هدف این پژوهش، از یک سو تبیین، بررسی و تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌های استعمار فرانو در رویارویی با اسلام است و از دیگر سو، بررسی و تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌های مسلمانان و جوامع اسلامی به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با استعمار فرانو روش منطبق با اهداف تحقیق، روشی تحلیلی ــ تبیینی است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش

از مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، درباره موضوع استعمار فرانو در مقابله با اسلام، سخنرانی‌هایی موجود است، ولی کتاب یا پژوهشی که تنها به این موضوع اختصاص یافته باشد، چاپ نشده است. همچنین سخنرانی پروفسور حمید مولانا با عنوان «استعمار فرانو و ابزارهای رسانه‌ای آن» و مقاله‌ای نیز با عنوان «استعمار فرانو و توان مندی‌های ایران» به قلم دکتر محمدرضا احمدی در این باره موجود است. امید است با روشن شدن اهمیت استعمار فرانو در دوران حاضر، اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی به تجزیه و تحلیل جنبه‌ها و زوایای گوناگون این موضوع بپردازند.

کاربرد رسانه‌ای

کاربرد رسانه‌ای

این پژوهش، با بررسی و تشریح سیاست‌ها و برنامه‌های استعمار فرانو در مقابله با اسلام و مسلمانان به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز سیاست‌ها و برنامه‌های مسلمانان به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران

برای مبارزه با استعمار فرانو، می‌کوشد جایگاه و رسالت رسانه ملی صدا و سیما را در مقابله با استعمار فرانو، به عنوان محور مدیریت و هدایت فکر و فرهنگ عمومی جامعه بررسی کند. در پایان، سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های پیشنهادی برای مقابله مؤثر با استعمار فرانو، به مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی صدا و سیما عرضه می‌شود.

فصل دوم: استعمار فرانو

اشاره

فصل دوم: استعمار فرانو

زیر فصل ها

زمینه تاریخی استعمار فرانو

زمینه تاریخی استعمار فرانو

استعمار در طول تاریخ، با شکل‌های متفاوتی بر ملل محروم و ستم دیده جهان مسلط شده است. شناخت چهره نفرت‌انگیز استعمار جز در آیینه حقایق تاریخی و واقعیت‌های عرصه روابط بین‌الملل امکان‌پذیر نیست. مفهوم استعمار با موج دوم تمدنی که با شروع عصر انقلاب صنعتی در اروپا به وجود آمد، مشهود و ملموس شد.

با آغاز عصر روشنگری و انقلاب صنعتی در اروپا، مبانی فکری و اخلاقی ویژه‌ای به وجود آمد که «کالوینیسم» و «مرکانتیلیسم» نمونه‌های برجسته آن بودند. کالوینیست‌ها، کار و تلاش، تسلط بر طبیعت و شناخت و استخدام هر چه بیشتر قوای موجود در طبیعت را موجب تقرب الهی می‌دانستند. مرکانتیلیست‌ها نیز معتقد بودند باید خزانه دولت را اگرچه به قیمت چپاول و غارت دیگر ملل، از ثروت انباشت.

رخ دادن انقلاب صنعتی در بستر فرهنگ و اخلاق مرکانتیلیستی، شرایط را به زیان ملت‌های محروم و ضعیف پیش برد. در این دوره، دولت‌های مقتدری در قاره اروپا شکل گرفتند که برای تأمین منابع طبیعی،

نیروی کار فراوان و ارزان قیمت و بازار مصرف برای انبوه کالاهای تولید شده خود، با تکیه بر قدرت نظامی بی‌رقیب، به حریم دیگر ملل غیرصنعتی دست‌اندازی کردند. در این دوره که به «دوره استعمار» معروف است، کشورهای استعماری بزرگی مانند بریتانیا، پرتغال، فرانسه، اسپانیا و هلند، با شعار آبادانی، به اشغال و چپاول ملت‌های فقیر پرداختند. استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملل مستعمره، به‌طور مستقیم با اشغال کشورها، حضور فیزیکی نیروهای استعمارگر در کشور مستعمره و اداره مستقیم امور آنها صورت می‌گرفت. رقابت قدرت‌های بزرگ و استعماری اروپا، سرانجام به جنگ های جهانی اول و دوم انجامید. حاصل جنگ جهانی دوم، شکست آلمان نازی در غرب، فروپاشی امپراتوری ژاپن در خاور دور و شکل‌گیری دو بلوک قدرت در جهان بود.

ایالات متحده امریکا که در جنگ های جهانی، به دلیل دور بودن از میدان‌های جنگ، خسارت اقتصادی متحمل نشده بود، پس از پایان جنگ، به‌عنوان برنده حقیقی جنگ و بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان، وارد صحنه بین‌المللی شد و رهبری بلوک غرب را با ایدئولوژی لیبرال‌دموکراسی سرمایه‌داری بازار آزاد، در برابر بلوک شرق با ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی، به رهبری شوروی سابق در دست گرفت.

در این دوره که به دوره «جنگ سرد» معروف است، استعمار به‌گونه ای نو خود را نشان داد. در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م.) تا میانه دهه ۱۹۶۰ میلادی، رهبران دو قطب قدرت، با محوریت سیاسی و ابزارهای نظامی به رقابت با یکدیگر پرداختند. این رقابت‌ها در فضایی از رعب و وحشت و با هدف افزایش نفوذ سیاسی، ایدئولوژیکی و نظامی،

به منظور بهره‌گیری اقتصادی از ظرفیت های موجود در کشورهای استعماری جریان داشت.

با روی کار آمدن دکترین تنش زدایی از اواسط دهه ۱۹۶۰میلادی، پیمان‌های نظامی، به عنوان عامل تأمین امنیت ابرقدرت‌ها، اهمیت خود را از دست دادند. از آن زمان به بعد، توجه ابرقدرت‌ها بیش از پیش به سوی کشورهای امریکای جنوبی، آسیای شرقی و خاورمیانه معطوف شد. به عبارت دیگر، کشورهای جهان سومی که در دوران استعمار، گرفتار اشغال و تجاوز نظامی مستقیم شده بودند، این بار نیز به میدان اصلی جنگ‌ها و درگیری‌های ابرقدرت‌ها تبدیل شدند.

در دوران استعمار نو، استعمار و غارت کشورها نه از راه اشغال نظامی، بلکه بیشتر از راه اشغال سیاسی و کنترل هیئت حاکمه و دولت کشورها صورت می‌گرفت. در این دوره، مستعمره‌ها که به صورت کشورهای اقماری هر یک از دو ابرقدرت (امریکا و شوروی) شناخته می شدند، بر اساس سیاست‌های جهانی و منافع اقتصادی این دو قطب قدرت، توسعه ای کنترل‌شده، برنامه‌ریزی‌شده و هدایت‌شده می یافتند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰م.، یکی از پایه های اصلی نظام استعماری دو قطبی فرو ریخت و دوران استعمار نو به سال‌های پایانی خود نزدیک شد.(۱)

۱- نک: محمدرضا احمدی، مقاله «استعمار فرانو و توان مندی‌های ایران»، نشریه اشراق اندیشه، ۱۳۸۵، ش ۲۶، صص ۲۱و۲۲.

تحولات جهانی؛ مقدمه استعمار فرانو

اشاره

تحولات جهانی؛ مقدمه استعمار فرانو

دو تحول جهانی در آغاز دهه ۱۹۹۰میلادی، مقدمات شکل گیری استعمار فرانو را فراهم ساخت که عبارتند از:

۱. فروپاشی نظام دو قطبی و حرکت جهان به سوی نظام چند قطبی

۱. فروپاشی نظام دو قطبی و حرکت جهان به سوی نظام چند قطبی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تحولات شگرف و گسترده‌ای در صحنه بین‌المللی رخ داد که چهره جهان را به کلی دگرگون ساخت. تلاش ایالات متحده امریکا برای بهره‌برداری از شرایط پس از نظام دو قطبی؛ کوشش اروپا برای رهایی از کنترل و سلطه امریکا شکل گیری جامعه متحد برای رسیدن به هویتی ویژه و مستقل در جهان؛ ظهور ژاپن و چین در عرصه های اقتصادی و سیاسی و قد برافراشتن کشورهایی که اگرچه جزو جوامع جهان سومی به شمار می‌آمدند، ولی با رد ایدئولوژی لیبرالیستی غرب و سوسیالیستی شرق، صلاحیت حاکمان نظام بین‌الملل را در اداره همه شئون بشری و جهان متمدن به چالش می کشیدند، جهان بین‌الملل را به سمت نظام چند قطبی کشاند.(۱)

۲. انقلاب در حوزه دانش و فن آوری اطلاعات و ارتباطات

۲. انقلاب در حوزه دانش و فن آوری اطلاعات و ارتباطات

انقلاب در حوزه دانش و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، همچون توفانی فراگیر وزیدن گرفت و به روند مسلط فکری و مفهومی در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شد. تشدید جریان های فرهنگی جهانی، ارتباطات، مهاجرت‌ها، فراملی شدن فن‌آوری و سرعت شتابناک آن، جز فروشکستن مرزهای جغرافیایی و سربرآوردن پیوند های تازه میان شهرها، منطقه ها و

۱- نک: مریم حایک، بررسی جایگاه سازمان اوپک در نظم نوین جهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۴، صص۴۹-۳۱.

ساختارهـای حکومتی، نتیجه دیگری نـداشت. این جریان که درحقیقت، بخشـی از فرآینـد شـکل گیری جامعه جهانی است، بر عرصه فعالیت های سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی جهان اثر گذاشـته است. انقلاب در ارتباطات الکترونیکی سـبب شـده است با گسـترش دامنه ارتباطـات، چهره جدیـدی از قـدرت ظـاهر شود که می توان از آن بـا عنوان چهره نـامحسوس قـدرت نـام برد؛ قدرتی که از پیوند دو عنصـر سرعت و پیچیدگی پدید می‌آید. سرعت، حاصل پیشرفت تکنولوژی است و پیچیدگی، از درهم آمیختن ایده‌ها، نمادها و تکنولوژی به وجود می‌آید.

تکنولوژی این امکـان را برای بشـر فراهم می سازد تا با کمترین هزینه و به دور از محـدودیت های اطلاعاتی، زمانی یا فضایی، به انواع دانش‌هـا، فن‌آوری هـا و آگـاهی هـای مورد نیـاز دست یابـد.(۱) بی‌شـک، در ایـن دوره، پیشـبرد و تحقـق اهـداف و طرح‌های استعماری، به شیوه استعمار قدیم که با اشغال و حضور فیزیکی، به غارت ملت ها می پرداختند یا به روش استعمار نو که با اشغال سیاسی و کنترل هیئت حاکمه ملل ضعیف به چپاول منابع طبیعی آنان دست می زدند، ممکن نیست. در این دوره، همـان‌گونه که تحولات جهان، ماهیتی فرهنگی، تمـدنی، علمی، فن‌آوری و به طور کلی، نرم‌افزاری دارد، اسـتعمار فرانو نیز با ماهیت، اهداف، راهبردها، شـیوه ها و ابزارهایی کاملاً متفاوت با اسـتعمار قدیم و استعمار نو، پا به عرصه روابط بین‌الملل نهاده است تا باز هم بتواند رابطه اسـتعماری، زیاده‌خواهانه و مستکبرانه خود را با ملل محروم و عقب‌مانده بازسازی کند. به عبارتی، استعمار فرانو، متناسب با تحولات موج سوم تمدن است. موج سوم تمدن، تمدنی

۱- مریم حایک، بررسی جایگاه سازمان اوپک در نظم نوین جهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۴، ص ۷۲.

است دانش‌مـدار، دانـایی‌محور و بـا ماهیت فرهنگی که در آن، جنبه های نرم‌افزاری زنـدگی بر شـئون گوناگون حیات بشـری غلبه کرده است.(۱)

ویژگی های استعمار فرانو

ویژگی های استعمار فرانو

اسـتعمار فرانو عبارت است از سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کامل، همه‌جانبه، تدریجی و نامحسوس بر منابع حیاتی و مالی همه جهـان که بـا محـوریت امپریـالیسم فرهنگی تحقـق می یابـد. ویژگی برجسـته اسـتعمار فرانو، محوریت بخشـیدن به مفهوم «قـدرت فرهنـگ» است. این به آن معنـا نیست که اسـتعمارگران در فضـای اسـتعمار قـدیم و جدیـد از «قـدرت فرهنـگ» غافل بودهانـد، بلکه شواهـد تاریخی، گویای بهره‌مندی اسـتعمارگران از قدرت فرهنگ به ویژه تلاش برای تغییر دین، زبان، آداب و رسوم و ساختار آموزشی مستعمره‌ها، متناسب با علاقه‌های فرهنگی و تمدنی خویش در تمامی دوران‌های استعمار است.

به عبـارت دیگر، می‌توان مبنـای اسـتعمار فرانو با محوریت قـدرت فرهنگ را آن چیزی دانست که به عنوان مفهوم قـدرت نرم ارائه می‌شود. قـدرت نرم، شـیوه‌ای از اعمال قدرت در مقایسه با شـیوه‌های سـنتی و سـخت است که با بهره‌گیری از ارزش‌های موجـود در فرهنـگ و جــذابیت‌هـای ایـدئولوژیکی مـوجب می‌شـود یـک فرد، گروه یـا کشـور کـاری کنـد کـه فرد، گروه یا کشورهای دیگر همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد.(۲)

ویژگی دیگر اسـتعمار فرانـو آن است که در آن برخلاـف اسـتعمار قـدیم، قطب و مرکزی وجود نـدارد. اسـتعمار فرانو بر پـایه جامعه شبکه ای جهانی

۱- برگرفته از: مقاله «استعمار فرانو و توان مندی‌های ایران»، ص ۲۲.

۲- نک: سـعید پورعلی، درآمدی بر مبانی نظری استعمار فرانو، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

شکل می گیرد و در آن، شبکه ای از روابط اقتصادی و همکاری‌های تجاری بر محور سرمایه و سرمایه‌داری به وجود می آید.

در این استعمار، پیمان های اقتصادی، جای گزین پیمان‌های نظامی و بلوک‌بندی های اقتصادی، جای گزین بلوک های نظامی می شود و روشن فکران، فرهیختگان و سرمایه‌داران داخلی کشورهای مستعمره به عضویت این شبکه درمی آیند.

در استعمار فرانو، هدف استعمارگران، به جای استعمار کشور یا منطقه ای ویژه، تسلط بر انسان‌هاست. به عبارت دیگر، استعمار فرانو همه جهان را با تمام امکاناتش هدف قرار می دهد و به کمک فن‌آوری اطلاعات و دانش ارتباطات، مرزهای کشورها ــ ملت ها و دولت ــ را درهم می نوردد و با تک تک انسان‌ها به عنوان اهداف استعماری و استکباری خود ارتباط برقرار می کند. در استعمار فرانو، مسائل جهانی با کنترل مبادی فرهنگ‌سازی جهانی و کنترل نهادهای بین‌المللی، مهار و کنترل همه جهان بر اساس امیال و منافع نظام سرمایه‌داری امکان‌پذیر می شود. در چنین نظامی، استعمارگران در تمامی جنبه‌های نظامی و اجتماعی، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌پردازند و درصددند با تحکیم ارزش‌ها و فرهنگ مادی، بر مدیریت نظام جهانی تسلط یابند.

زرسالاران اقتدارطلب برای القای فرهنگ خود از راه سازمان‌ها و تشکیلات گوناگون، به تربیت کارشناس می‌پردازند. اختصاص بخش مهمی از امکانات به این منظور، نشان‌دهنده توجه ویژه زرسالاران اقتدارطلب به «نظام‌سازی» است. رشد دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تخصیص بودجه‌های کلان تحقیقاتی برای دست یابی به بهترین راه حل و قوانین متناسب با «اهداف و خط‌مشی کلی نظام سرمایه‌داری جهانی» نیز

شاهـدی روشن بر این ادعاست. در اسـتعمار فرانو، دانشـگاه‌های جهان با ماشـین‌های تولیـد اندیشه و طرح و برنامه، برای تحقق اهـداف اسـتعماری زرسالاـران گـام برمی‌دارنـد. شـبکه‌ای از مظـاهر فرهیختگـان و روشـن فکران وابسـته بـه غرب نیز تمـدن سرمایه‌داری غرب را «پایان تاریـخ» می‌داننـد و پیوند همه‌جانبه با غرب را نه سـرسپردگی و بردگی یا اسـتعمار که دلدادگی به ارزش‌های فراملی، جهانی و توسـعه‌خواهانه معرفی می‌کنند. آنان تنها راه دست یابی به رفاه، آزادی، پیشرفت و توسعه را ادغام در فرآیندهای جهانی این شـبکه سرمایه‌داری می دانند.(۱) این وابسـتگی افراد، وابسـتگی فرهنگی و آرمانی است. در این نوع اسـتعمار، افراد بشر به مستعمره‌هایی تبدیل شده‌اند که تمام مظاهر و هنجارها و ارزش‌های معنوی استعمارگران را می پذیرند و تمام نیروی خویش را برای تجسم بخشیدن به آرمان‌ها و ارزش‌های وارداتی به کار می‌بندند.

معرفی استعمارگر

معرفی استعمارگر

از ویژگی های خاص اسـتعمار فرانو که سبب تمایز آن از استعمار نو و کهنه می شود، ماهیت استعمارگر در استعمار فرانوست. در اسـتعمار فرانو، استعمارگر، دولت یا دولت‌های ویژه‌ای نیست، بلکه طبقه ای اجتماعی است که دولت‌ها را در حد توانایی و قـدرت خود و آمـادگی آنهـا هـدایت می کنـد. افراد این طبقه در بـافت و سـاخت دولت‌ها حضور دارنـد و با وسـیله قراردادن دولت‌هـا، اهـداف اسـتعماری خود را تحقق می بخشـند. این طبقه اجتمـاعی که از آن بـا عنوان «سـرمایه‌داران» یـا «زرسالاـران اقتدارطلب» نام برده می شود، رفتارها و نهادهای مورد نیاز خویش را در قالب نظام سرمایه‌داری سامان‌دهی می کند.

۱- نـک: سـعید پـورعلی، درآمـدی بر مبـانی نظری اسـتعمار فرانـو، قـم، مرکز پژوهش‌هـای اسـلامی صـدا و سـیما، ۱۳۸۵، صص ۲۲و۲۳.

در نظام سرمایه‌داری، تمامی مفاهیم، از دیدگاه این نظام درباره سعادت فرد و جامعه اثر می‌پذیرد. در این نظام، رفاه با مفهوم ویژه‌ای هدف نهایی است و رشد از آن رو که در رفاه مؤثر است، به عنوان هدف میانی مطرح می‌گردد. به عبارت دیگر، در نظام سرمایه‌داری، هرچه انسان به امیال خود بیشتر پاسخ گوید و از زندگی بیشتر لذت ببرد، سعادتمندتر است. منفعت یا مصلحت یک جامعه، از جمع منافع همه افرادی شکل می‌گیرد که آن جامعه را تشکیل می دهند. بنابراین، سعادت جامعه به معنای بیشترین لذت، برای بیشترین افراد است. در این جامعه، افزایش جمع جبری منفعت تک تک افراد اهمیت و اگر تغییرهای اجتماعی به سود فردی باشد، این جمع جبری افزایش می‌یابد و می‌توان گفت بر رفاه اجتماعی افزوده شده است. سعادتی که بر این مبنا در نظام سرمایه‌داری حاصل می‌شود، در بعد اجتماعی آن، چیزی جز حداکثر لذت و حداقل رنج برای بیشترین افراد نیست. با چنین تفسیری، سعادت و رفاه اجتماعی به عنوان هدف اصلی نظام سرمایه‌داری، سه نتیجه مهم را به همراه دارد: نخست اینکه در این نظام، مقاصد اقتصادی در اولویت قرار می‌گیرد. سعادت اجتماعی به معنای بیشترین رضایت‌مندی و لذت حسی برای بیشترین افراد، یک هدف مادی صرف است و به مصرف کالاها و خدمات مادی می‌انجامد. نظام سرمایه‌داری در این فرآیند، متکفل تنظیم تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است. بنابراین، هدف اقتصادی، با هدف نهایی کل نظام سرمایه‌داری یکی می‌شود. از آنجا که هدف نهایی نظام سرمایه‌داری با تمام جنبه‌هایش، هدفی اقتصادی است، طبیعی است که این هدف، از میان اهداف این نظام در رأس قرار گیرد و دیگر هدف‌ها در خدمت اهداف اقتصادی باشند.

دوم اینکه در این نظام بر اساس تفکر فایده‌گرایی، رشد اقتصادی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. رشد اقتصادی به مفهوم تولید بیشتر کالا و خدمات است. در آیین سودگرایی، مصرف کالا و خدمات نوعی لذت حسی به وجود می‌آورد. بنابراین، تولید بیشتر، همواره به معنای مصرف بیشتر و در نتیجه، لذت بیشتر است و هرچه جمع کل لذت در جامعه بیشتر شود، سعادت آن جامعه بیشتر تأمین شده است. مایکل تودارو درباره اثر نظام سرمایه‌داری بر زندگی مردم جهان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی معتقد است اقتصاددانان و سیاستمداران همه کشورها، اعم از فقیر و غنی، سوسیالیستی و سرمایه‌داری شرقی و غربی و شمالی و جنوبی، سر تعظیم بر آستان رشد فرود آورده‌اند و رشدسالاری راه و رسم زندگی شده است. تحلیل اینکه چرا «توسعه سالاری» آن هم به سبکی متناسب با آیین سودگرایی، جهانی شد، امری مشکل است و در این مختصر نیز نمی‌گنجد. با این حال، این نقل قول، مبیّن اثرگذاری نظام سرمایه‌داری در آن مقطع زمانی است. البته با گذشت زمان، بسیاری از کشورها از آثار منفی این «توسعه سالاری» آگاه شدند و تأکید اصلی بر مسئله رشد، جای خود را به توجیه بیشتر «کیفیت زندگی» و «عدالت توزیعی» داد، ولی هنوز در نظام سرمایه‌داری، رشد به عنوان هدفی برتر برای دست یابی به سعادت جامعه به شمار می‌رود.

سوم اینکه در نظام سرمایه‌داری که بر اساس آیین سودگرایی استوار شده است، عدالت اقتصادی اهمیتی ندارد. سودگرایان، سعادت اجتماعی را به بیشترین خوشی و لذت برای بیشترین افراد تفسیر می‌کنند. آنها از میان دو روش توزیع، روشی را می‌پسندند که در آن، جمع کل لذت افزایش می‌یابد، ولی افراد کمتری از این لذت بهره‌مند می‌شوند و روش

دیگری را که در آن، جمع کل لـذت‌ها کاهش می‌یابـد، ولی تعـداد بیشتری از آن بهره می‌برنـد، نمی‌پـذیرد. بر این اساس، به لـذت و رنـج همـه افراد اعـم از فقیر و ثروتمنـد، اهمیت یکسـان داده می‌شـود. در این صـورت، تفـاوتی نـدارد که یـک نفر از واحـدهای افزوده شـده به جمع کـل لـذت بهره ببرد یـا هزار نفر. به عبـارت دیگر، اگر بی‌عـدالتی نیز موجب افزایش جمع کل لذت جامعه شود، مطلوب است.(۱)

همان‌گونه که گفته شـد، تأکید بر رفاه اجتماعی به عنوان هدف نهایی نظام سـرمایه‌داری، نتایج سه‌گانه ای چون اولویت یافتن اهـداف اقتصـادی، رشـد اقتصـادی بـدون تـوجه به کیفیت زنـدگی و بی‌تـوجهی به عـدالت توزیعی را برای این نظـام به همراه خواهـد داشت. غلبه چنین تفکری در طبقه سـرمایه‌داری سـبب شـده است تـا زرسالاـران با انگیزه دست یابی به بالاترین درجه سعـادت و رفـاه فردی و اجتمـاعی، تسـلط بر منابع حیاتی و مالی جهان را در رأس برنامه‌های خویش قرار دهنـد. بر این اساس، زرسالاران اقتدارطلب به تک تک افراد بشـر از دریچه اهداف استعماری و استکباری خود می‌نگرند و می کوشند با بهره گیری از تسلط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کامل و همه‌جانبه بر دولت‌ها و ملت‌ها، اهداف استعمار فرانویی خویش را تحقق بخشند.

هم سویی جهانی شدن با استعمار فرانو

هم سویی جهانی شدن با استعمار فرانو

هم زمانی شـکل گیری استعمار فرانو با اوج گرفتن مسئله جهانی شدن و آثار آن بر حوزه‌های گوناگون سبب شده است تجزیه و تحلیل استعمار فرانو

۱- نـک: سیدحسـین میرمعزی، مقـاله «نقـدی بر اهـداف نظـام سـرمایه‌داری از دیـدگاه نظـام اسـلام»، پایگـاه اینترنـتی.www .Library tebyan.net

در هر یک از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با توجه به این فرآیند یا پروژه مهم جهانی صورت بگیرد.

با مطرح شـدن پدیده جهانی شدن به عنوان امری اثرگذار بر حوزه‌های زندگی انسان، تلاش شد برای تبیین آن، از اندیشه‌های مسلطی چون نوواقع‌گرایی، نولیبرالیسم و نومارکسیسم بهره گرفته شود. از میان این اندیشه‌ها، نولیبرالیسم، پیش‌تاز اصلی و قوی‌ترین مدعی مطالعه جهانی‌شدن شد. تأکید نولیبرالیسم بر بازار آزاد، به عنوان عامل محرک و ایجادکننده رشد و توسعه، پافشاری شدید بر لیبرال دموکراسی، آزادسازی، خصوصی‌سازی و از بین بردن دولت سبب می‌شود تا این اندیشه تا حدودی توان توضیح پدیده‌های بین‌المللی جدید را داشته باشد. اندیشه دولت نولیبرالیسم، کاهش هزینه‌ها، سودآوری هرچه بیشتر و آزادی حرکت و جابه‌جایی سرمایه در سطح جهان را امکان‌پذیر می‌سازد و این امر بیش از هر چیز، توجیه‌کننده و پشتیبان نیازهای سرمایه‌داری در سطح جهان است. رشد بی‌سابقه تجارت جهانی و افزایش تحرک سرمایه در سطح بین‌المللی به عنوان نمادهای جهانی شدن اقتصاد، در حالی صورت می‌گیرد که سهم اصلی تولید، تجارت و نقل و انتقال سرمایه، کشورهای در اختیار پیشرفته سرمایه‌داری است. سرمایه‌داران جهانی می‌کوشند با بهره‌گیری از چهره جدید قدرت در انقلاب ارتباطاتی، برای حفظ منافع طبقاتی خود، بر جهانی شدن اثر بگذارند و آن را جهت دهند.

در حوزه سیاست، مسائل و مباحثی که پیش از این به حوزه داخلی و حیطه حاکمیت دولت‌ها مربوط می‌شد، امروزه با بی‌رنگ شدن مرزها،

جنبه جهانی یافته است. بحران‌های جهانی از نظر عملکرد نظام‌های ارتباطاتی جهانی، درک تازه‌ای از جهان به دست می دهند و به همگان می آموزند که جهان به صورت یک واحد و مجموعه تصور شود.(۱)

نفوذ فرآیند جهانی شدن در حوزه های گوناگون، با ایجاد ارزش‌ها و اصولی در درون نظام بین‌الملل همراه بود، ولی این ارزش‌ها و اصول، با هدایت سرمایه‌داران و زرسالارانی که اندیشه حاکمیت جهانی را در سر می پرورانند، به سمت و سویی دیگر پیش رفت. زرسالاران اقتدارطلب جهانی به سرکردگی دولت ایالات متحده امریکا، اهمیت بهره‌گیری از جهانی شدن را در تحقق اهداف استعمار فرانویی خویش به خوبی درک کردند. آنان جهانی شدن را برای ملل دنیا، به گونه‌ای تعبیر و تفسیر کردند که بسیاری از ناظران، جهانی شدن را به معنای امریکایی شدن جهان دانستند. فرانسیس فوکویاما در کتاب پایان تاریخ خود نوشت:

آنچه ما شاهد آن هستیم، پایان جنگ سرد یا گذار از دوره ویژه ای از تاریخ پس از جنگ نیست، بلکه پایان تاریخ نیز هست؛ یعنی نقطه پایان تصور ایدئولوژیک بشر و جهانی شدن دموکراسی لیبرال غربی به مثابه شکل نهایی دولت.(۲)

کوشش دولت امریکا برای تحکیم و تثبیت جایگاه خویش در حوزه های اقتصاد، سیاست و فرهنگ، از تلاش طبقه زرسالاران اقتدارطلب جهانی، برای جهانی شدن ارزش‌های مطلق سرمایه‌داری و هم سویی جهانی شدن با استعمار فرانو حکایت می کند.

۱- بررسی جایگاه سازمان اوپک در نظم نوین جهانی، صص ۷۳-۵۹.
۲- بررسی جایگاه سازمان اوپک در نظم نوین جهانی، ص ۷۵.

نظم نوین جهانی؛ استراتژی جهانی استعمار فرانو

نظم نوین جهانی؛ استراتژی جهانی استعمار فرانو

امروزه بـدون داشـتن چـارچوب و نظریه هـای منسـجم و مناسب، درک سـیاست‌های گوناگون صـحنه روابط بین‌الملل مشـکل خواهـد بود. بر همین اساس، برای درک سـیاست کلان نظم نوین جهانی به عنوان استراتژی جهانی اسـتعمار فرانو، عوامل مؤثر بر سـیاست خارجی ایالات متحـده امریکا، طراح این استراتژی جهانی را تحلیل خواهیم کرد. تحلیل گران سیاسـی، پنج عامل را به عنوان عوامـل مؤثر بر سـیاست خـارجی امریکـا مطرح می کننـد: محیـط خـارجی (بین‌المللی)؛ عوامـل اجتمـاعی تشـکیلات حکومتی؛ نقش‌های پذیرفته شده از سوی سیاست گذاران و ویژ گی‌های فردی نخبگان سیاست گذار خارجی.

بررسـی سـیاست خارجی امریکا در دوره های گوناگون نشان می دهد سـیاست‌های این کشور، به طور عمیقی در منابع داخلی آن ریشه دارد و در میـان عوامـل مؤثر بر سـیاست خـارجی امریکـا، نیروهـای اجتمـاعی به طور بالقوه بر جهت‌دهی به سیاسـت خـارجی این کشور اثر بسـیاری دارنـد. روزنو بـا اشاره به همین امر اسـتدلال می کنـد که «برای تغییر سـیاست خارجی امریکا، ساختار داخلی باید تغییر کند.»(۱)

مهم‌ترین زیرمجموعه های منابع اجتماعی مؤثر در شکل گیری سیاست خارجی امریکا را می توان چنین برشمرد:

۱. فرهنگ سیاسی ایالات متحده که از آن می توان با عنوان آزادی‌خواهی و لیبرالیسم نام برد؛

۱- نک: روح الله موحدی، سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه، ۱۹۹۱-۲۰۰۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۳، ص۲۷.

۲. نقش افکار عمومی مردم امریکا، با توجه به این موضوع که ایالات متحده، نظامی جامعه‌سالار است؛

۳. نقش رسانه های جمعی در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا؛

۴. نقش مجموعه های صنعتی ـ نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا؛

۵. نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ «لابی» در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا.(۱)

تسلط طبقه اجتماعی سرمایه‌داران و زرسالاران اقتدارطلب بر رسانه های جمعی و مجموعه های صنعتی ـ نظامی امریکا و نقش و اثر این طبقه اجتماعی با عنوان گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ لابی، به‌صورت مستقل بر سیاست خارجی این کشور اعمال می شود. از دیگر سو، بهره‌گیری سرمایه‌داران و زرسالاران از تسلط فرهنگ سیاسی لیبرالیسم بر افکار عمومی مردم امریکا در قالب ایدئولوژی حامی نظام سرمایه‌داری سبب شده است تا طبقه اجتماعی سرمایه‌داری با ایفای نقشی فعال در درون ساختار دولت امریکا، این دولت را در شرایط بین‌المللی مطلوب، پس از فروپاشی نظام دوقطبی، به منظور تحقق اهداف استعماری خود که این بار چهره ای دیگر به خود گرفته بود، هدایت کند.

جرج هربرت بوش، نخستین رئیس جمهور امریکا پس از فروپاشی نظام دوقطبی، با طرح سیاست «نظم نوین جهانی» به عنوان محور اصلی سیاست خارجی امریکا، کوشید تا افکار عمومی مردم جهان را با آن هم سو کند. بیان کلمات و عبارت‌هایی چون خاتمه دادن به اختلاف‌ها از راه

۱- نک: روح الله موحدی، سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه، ۱۹۹۱-۲۰۰۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۳، صص۱۹-۲۸.

مسالمت‌آمیز، اتحاد بر ضد خشونت، کاستن و کنترل زرادخانه ها و رفتار عادلانه با همه ملت‌ها به عنوان اهداف سیاست نظم نوین، دقیقاً همانند تفاوت واقعیت پدیده استعمار با معنای لغوی آن بود. ویلیام کانت، پژوهشگر امور خاورمیانه در مؤسسه مطالعات سیاسی طبروکنیگز امریکا در این باره گفته است: «نظام جدید جهان اجازه خواهد داد که مسائل جهانی با توجه به منافع ملی قدرت های بزرگ، طبقه‌بندی شود.»(۱) با شکست نسبی سیاست نظم نوین جرج بوش، زرسالاران که هدایت سیاسی خارجی امریکا را بر عهده داشتند، تصمیم گرفتند تا در دوران هشت ساله بیل کلینتون، با پرداختن گزینشی به چالش‌هایی که تنها بر منافع امریکا، به عنوان سردمدار نظام سرمایه‌داری اثر می‌گذارند، وظایف رهبری خود را به انجام برسانند. در این دوره، نظم نوین جهانی به عنوان سیاستی حاشیه ای مطرح شد.

با روی کار آمدن جرج واکر بوش، سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه امریکا برای تحقق نظم نوین جهانی، قوت بیشتری یافت. یک‌جانبه‌گرایان معتقدند امریکا قدرت کافی برای اعمال نفوذ و کسب منافع و شکل‌دهی به سیستم نظام بین‌الملل را دارد. ازاین‌رو، به عنوان رهبر جهان سرمایه‌داری، باید قدرت خود را برای تسلط بر جهان به کار گیرد. با وجود این، شرایط بین‌المللی و آرامش نسبی حاکم بر صحنه جهانی، تحقق استراتژی استعماری نظم نوین امریکا را با مشکل روبه‌رو می ساخت؛ زیرا واژگان حاکم بیش از پیش، از همکاری، ائتلاف، تعامل سیاسی، حل اختلاف از راه گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز، کاهش تصمیم‌های تخریبی و هزینه های نظامی، برنامه‌ریزی برای توسعه و تأکید هرچه بیشتر بر فرهنگ حکایت داشت.

۱- برگرفته از: بررسی جایگاه سازمان اوپک در نظم نوین جهانی، ص ۳۴.

به یقین، تأمین اهداف استعماری امریکا در این دوران نیز همچون دیگر دوران می باید در سایه اهداف مقدسی چون نابودی عوامل ضددموکراسی، مبارزه با دشمنان حقوق بشر، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مبارزه با تروریسم، تهدید کشورهای همسایه و حتی نبود آزادی برای زنان توجیه شود. ازاین‌رو، دولت امریکا بنا بر استانداردهای حقوق بشر و آزادی و دموکراسی مورد نظر خویش، به درجه‌بندی دولت‌ها پرداخت و کشورها را بر اساس معیارهای خود، در لیست عوامل ضد حقوق بشر، ضد دموکراسی، ضد آزادی و ضد امنیت جای داد.(۱)

در پایان می توان گفت استراتژی نظم نوین جهانی، بخشی از ایده‌ها، طرح‌ها و روش‌های جدید بسیار پیچیده و چند لایه جریان سرمایه‌داری است که با ظاهری زیبا و فریبنده، اهداف استعمار فرانو خود را تعقیب می کند. این اهداف، همان تسلط و بهره‌برداری از منابع تمامی جوامع در جنبه‌ای گسترده است.

برنامه های استعمار فرانو

اشاره

برنامه های استعمار فرانو

زیر فصل ها

۱. برنامه های اقتصادی

۲. برنامه های سیاسی

۳. برنامه های فرهنگی

۱. برنامه های اقتصادی

۱. برنامه های اقتصادی

در استعمار فرانو، زرسالاران اقتدارطلب با تکیه بر مدل اقتصاد نئولیبرالی، ساختار اقتصاد و نظام مالی جهانی را به شیوه‌ای نامحسوس، برای گسترش منافع خود هدایت می کنند. تحولات ساختاری ایجاد شده در اقتصاد جهانی و هم سویی آن با منافع نظام سرمایه‌داری، نوعی تقسیم کار جدید و بهره گیری کیفی کاملاً متفاوت از منابع و نیز تولید و انباشت سرمایه را پدید آورده است. گردش سرمایه در مناسبات بین‌المللی، به طور

۱- بر گرفته از: بررسی جایگاه سازمان اوپک در نظم نوین جهانی، صص۳۷ و ۳۸ .

عمـده در داخـل کشورهـای سـرمایه‌داری، فعال و در جریان است و ملل محروم جهان بر خلاف رویه رایـج در بیشتر دهه های قرن بیستم، به جای آنکه مقصد صدور سرمایه باشند، مبدأ آن هستند.

فاصـله اقتصادی و اجتماعی میان کشورهای سـرمایه‌داری و کشورهای مدرن و شبه مدرنی که با اقتصادهای حاشیه ای و ناتوان در چارچوب نظام اقتصاد جهانی اسـتثمار می شدند، بسـیار عمیق‌تر از پیش شده است. این وضـعیت با برنامه های اقتصادی که زرسالاران جهانی در حق دیگر ملل جهان اعمال می کنند، تشدید می شود.

از جمله برنامه های اقتصادی که زرسالاران، بسـیار از آن اسـتفاده می‌کننـد، تحریم اقتصادی است. تحریم‌ها به عنوان اقـدامات آگاهـانه برای وارد کردن محرومیت اقتصـادی بر دولت یـا جـامعه هـدف، از راه محـدودیت یـا توقف روابط اقتصادی معمول صورت می‌گیرد. کمک‌های اقتصادی اسـتعمارگران به دولت‌ها و حکومت‌های دست‌نشانـده ای که با هماهنگی عملکرد خود بـا منافع زرسالاران، اجرای سـیاست‌های اسـتعماری را آسان می کننـد، نوع دیگری از برنامه اقتصادی اسـتعمارگران است. این کمـک‌هـا که عموم ملت‌ها با عنوان اعانه از آن یاد می‌کننـد، به خریـد کالا و خـدمات از دولت‌ها و کمپانی‌های سـرمایه‌داری وابسـته است. به عبـارت دیگر، این کمـک‌هـای اقتصـادی به افزایش فعـالیت‌هـای اقتصـادی سـرمایه‌داران در داخل کشورهای دریافت‌کننده و در نتیجه، نفوذ بیشتر اسـتعمارگران کمک می‌کند. کمک توسعه،(۱) بخشی از این کمک‌های اقتصادی است که در ظـاهر برای حمـایت از توسـعه اقتصادی و اجتماعی، وام و کمک‌های بلاعوضـی را فراهم می آورد. این کمک‌ها از راه پروژه های ویژه‌ای تأمین می شود و به منظور اهداف

۱- development assistance.

ویژه‌ای مانند ارتقای بهداشت، آموزش و پرورش، کشاورزی و توسعه روستایی است. همچنین کمک‌های امدادی مانند کمک‌های غذایی در حوادث پیش‌بینی ناشده یا برنامه های غذا برای صلح سازمان ملل که عموماً به «قانون عمومی ۴۸۰» شهرت دارد، با عنوان کمک توسعه و به منظور تأمین اهداف استعمار فرانو، از سوی ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری اعطا می شود، چنان‌که در قانون ایالات متحده، اهداف برنامه غذا برای صلح چنین بیان شده است:

افزایش صادرات محصولات کشاورزی امریکا؛ مبارزه با گرسنگی و کمبود مواد غذایی؛ ترویج توسعه اقتصادی در کشور های در حال رشد و افزایش منافع سیاست خارجی امریکا.(۱)

۲. برنامه های سیاسی

اشاره

۲. برنامه های سیاسی

در استعمار فرانو، زرسالاران استعمارگر برای ایجاد و گسترش سلطه خود، سه تاکتیک سیاسی را در برابر جوامع جهانی به کار می گیرند:

الف) اقدامات پنهانی

اقدامات پنهانی، آن دسته از فعالیت‌های پنهانی است که در یک کشور خارجی علیه حکومت، تأسیسات یا افراد آن کشور، با هدف اثرگذاری مستقیم بر فعالیت‌های سیاسی صورت می گیرد. این اقدامات از لحاظ نظری، با جمع‌آوری پنهانی اطلاعات یا جاسوسی تفاوت دارد؛ زیرا فعالیت‌های جاسوسی، جمع‌آوری غیرقانونی اطلاعات است که با هدف اثرگذاری مستقیم صورت نمی‌گیرد، ولی اقدامات پنهانی، چنین هدفی را دنبال می کند.

اعتراض دولت ایالات متحده امریکا به عنوان پرچم‌دار زرسالاران جهانی در سال ۱۹۹۱ میلادی، کنگره این کشور را واداشت تا اقدام پنهانی را قانونی کند.

۱- برگرفته از: سیاست خارجی آمریکا درخاورمیانه ۱۹۹۱ _ ۲۰۰۱، ۱۳۸۳، ص۸۶.

در اقـدامات پنهـانی، اطلاعـات خـام به کمک مأموران سـری به دست می آیـد و به دلیل اینکه از منابع انسانی نه فنی، حاصـل شـده، نـاپخته است. داده هـای این منـابع عمومی، بـا اطلاعـات سـخت ناشـی از تحلیل کشف رمز و شـناسایی های ماهواره ای تکمیـل می شود. ماهواره های شـناسایی، به طور عادی، اطلاعات باارزشـی را فراهم می کننـد که با اطلاعات نشانه ای ترکیب شـده است. این اطلاعات نشانه‌ای، همان اطلاعات به دست آمده از ره‌گیری و تحلیل علایم مخابراتی، الکترونیکی و تله متری و نیز اطلاعـات تصـویری است که عبـارت از رمزهـای کـامپیوتری است و به تصویر تبـدیل می گردد و در مجموع، دریـایی از اطلاعات را از سراسر جهان در اختیار سرمایه‌داران استعمارگر قرار می دهد.

از ایـن اطلاعـات و اقـدامات پنهـانی بـه گـونه‌ای اسـتفاده می‌شـود کـه نقش استعمارگران بـه طـور کامـل پوشـیده باشـد و با تکنیک‌های بازپرسی کشف‌شدنی نباشد و به راحتی تکذیب شود.

ب) تهدید ملت‌ها با استفاده از زور و مداخله نظامی

اسـتفاده از زور و تجاوز نظامی، از دیگر روش‌هایی است که اسـتعمارگران در برخورد با ملت‌های بیـدار معترض یا دولت‌های سرکش، از آن اسـتفاده می کننـد. اگرچه در اسـتعمار فرانو، بلوک‌بنـدی هـای نظامی، جایگاه گذشـته خویش را از دست داده اسـت و تلاش اســتعمارگران بیش از پیش بر فعـالیت هـای فرهنگی تمرکز یـافته، ولی میزان دخـالت‌هـا و تجاوزهـای نظـامی اسـتعمارگران کاهش نیافته است. تجاوز نظامی به عراق و لبنان در سالیان اخیر، شاهـدی بر بهره‌گیری زرسالاران اقتدارطلب از شیوه های نظامی برای تحقق سلطه خود بر منابع جهانی است.

ج) حمایت از سیاست‌های هم سو با منافع سرمایه‌داری

زرسالاران اقتدارطلب می کوشند با حمایت از سیاست‌هایی که تأمین کننده منافع طبقه سرمایه‌داری است، عملکرد دولت‌ها و ملت‌های جهان را کنترل کنند. تقسیم‌بندی رفتار کشورها به رفتار مثبت و منفی و در پیش گرفتن سیاست تشویق برای رفتار مثبت، با توجه به منافع طبقه سرمایه‌دار، تنها ابزاری است که به تحمیق هرچه بیشتر مردم جهان می انجامد.(۱)

۳. برنامه های فرهنگی

۳. برنامه های فرهنگی

در استعمار فرانو، هدف اصلی استعمارگر، نابودی امنیت فرهنگی تک‌تک انسان‌هاست. امنیت فرهنگی که در مفهومی گسترده، بخشی از امنیت انسانی به شمار می‌رود، شامل (نه محدود به) آزادی عقیده، وجدان، زبان، بیان، شیوه زندگی، قومیت، جنسیت، شراکت، اجتماع و مشارکت فرهنگی و سیاسی و اقتصادی است. این نوع استعمار با بهره‌گیری از جریان بین‌المللی اطلاعات، به صورت جریانی مرکز پیرامونی از شمال به جنوب، از غرب به شرق و از کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری به سوی کشورهای در حال توسعه، امنیت فرهنگی ملل جهان را تهدید می کند. این جریان که به شدت یک‌سویه، عمودی، تحقیرگر، منفی‌گرا و سلطه‌جویانه است، توانایی منابع خارجی را برای اجرای اقداماتی مانند کنترل و نفوذ در کشورهای هدف، بسیار افزایش داده است.

کشورهای هدف بر این عقیده‌اند که جریان آزاد اطلاعات، آنها را در رقابتی نابرابر و بی‌فایده با دولت‌ها و شرکت‌های سرمایه‌داری قرار می دهد

۱- برگرفته از: سیاست خارجی آمریکا درخاورمیانه ۱۹۹۱ _ ۲۰۰۱، ۱۳۸۳، صص ۸۱-۸۵.

و با تهدید ثبات فرهنگی جامعه، ناامنی فزاینده ای را بر این کشورها تحمیل می کند.(۱)

آنچه در این ماجرا اتفاق می افتد، تهاجم فرهنگی است. استعمارگران می‌کوشند با از میان بردن یا تضعیف فرهنگ بومی ملل دنیا و جای گزینی فرهنگ وارداتی سرمایه‌داری غرب، زمینه غارت و چپاول منابع این کشورها را فراهم آورند. زمانی مبارزه با تهاجم فرهنگی امکان‌پذیر است که خطر بزرگ آن برای همگان روشن شود. با مقایسه میان تهاجم فرهنگی و تهاجم نظامی می توان به روشنی، به این خطر بزرگ پی برد. در تهاجم نظامی، هدف دشمن، تصرف خاک و سرزمین یک ملت است، در حالی که در تهاجم فرهنگی، اخلاق، ارزش‌ها و عقاید مردم هدف قرار می گیرد. تهاجم نظامی، با سرعت و همراه با سر و صدا صورت می‌گیرد، ولی تهاجم فرهنگیT ماهیتی آهسته و آرام دارد. تهاجم نظامی، ترسناک و نفرت برانگیز است و افراد را به مقاومت و دفاع وامی دارد، ولی تهاجم فرهنگی، فریبنده و جذاب است و افراد، خواسته یا ناخواسته به استقبال و پذیرش آن می روند. در تهاجم نظامی، مهاجم اعلام دشمنی می کند و بانگ نخستین گلوله، همه را متوجه خطر می سازد، در حالی که در تهاجم فرهنگی، مهاجم اعلام دوستی می کند؛ به گونه‌ای که برخی از افراد هیچ‌گاه دشمنی و شبیخون وی را باور نمی کنند.

در تهاجم نظامی، درگیری با دشمن از مرزها شروع می شود و سلاح مبارزه، بمب و موشک است که بر خانه‌ها، پادگان‌ها، خطوط و خاکریزها فرود می آید. مهاجم فرهنگی، حمله خود را از درون خانه ها و با امواج

۱- برگرفته از: حمید هراتی، مقاله «تجارت قرن ۲۱»، پایگاه اینترنتی:www.golha . net.

صوتی و تصویری آغـاز می‌کنـد و انـدک انـدک، بـا سـست کردن ایمـان مردم، مـدرسه‌ها، مطبوعات، انـدیشه ها و عقایـد را بمباران فرهنگی می کند.

در تهاجم نظامی، مجروح میـدان برای درمان به پشت جبهه انتقال می یابد، در حالی که در تهاجم فرهنگی، زخم‌خوردگان به خطوط جلوتر انتقال می یابند.

در تهاجم نظامی، از اسـیران و کشته‌شدگان جنگ با عنوان فداییان میهن، ارزش‌ها و آرمان‌ها نام برده می شود، ولی در تهاجم فرهنگی، اسیرشدگان، به‌دام افتادگان ابتذال، شهوت، اعتیاد و نابودی‌اند.

بزرگـداشت یک فـدایی تهاجم نظامی، به جامعه روح حماسـی می بخشـد، ولی آلوده شـدن نسـلی به ابتـذال و فساد در نتیجه تهـاجم فرهنگی، روح جـامعه را افسـرده و نابود می کنـد. در آخر اینکه تهاجم نظامی، ملت را مقاوم‌تر می کنـد، در حالی که تهاجم فرهنگی، جز سستی و رخوت ملت‌ها نتیجه‌ای ندارد. (۱)

مهم‌ترین شیوه های استعمارگران برای تهاجم فرهنگی یک ملت عبارتند از:

۱. متهم کردن کشورهایی که از ورود جریان آزاد اطلاعات به کشورشان استقبال نمی کنند، به ضدیت با آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و امنیت؛

۲. کشانـدن جوانـان به فسـاد، ابتـذال، شـهوت‌رانی، می‌گسـاری و اعتیاد به مواد مخـدر و دور ساختن آنان از فعالیت‌های مفید اقتصادی، اجتماعی و علمی؛

۳. تضعیف پایه های اعتقادی جوانان و نوجوانان؛

۱- برگرفته از: پایگاه اینترنتی www.javaneiran.net .

۴. تحقیر و منزوی کردن هنر و فرهنگ بومی کشورها با بی‌توجهی به صنایع دستی و هنرهای بومی و مطرح ساختن آثار و تولیدات هنری وارداتی؛

۵. القای فرهنگ سرمایه‌داری با عنوان مدرنیسم، با استفاده نادرست از فن آوری ارتباطات، در قالب برنامه های ماهواره‌ای، رادیویی، پایگاه‌های کامپیوتری و فیلم‌های ویدیویی.(۱)

امپریالیسم رسانه ای؛ ابزار استعمار فرانو

امپریالیسم رسانه ای؛ ابزار استعمار فرانو

استعمار فرانو به نوعی، استمرار امپریالیسم فرهنگی است و در این امپریالیسم، رسانه ها به عنوان مهم‌ترین ابزار، جایگاه ویژه ای دارند. سرمایه‌داران اقتدارطلب با کنترل بر بیشتر رسانه های جهانی، از شبکه های تلویزیونی، آنتن های رادیویی، کمپانی های فیلم‌سازی، ماهواره ها و شرکت های عرضه خدمات اینترنتی گرفته تا کمپانی های ضبط موسیقی و مطبوعات، می کوشند اهداف استعماری خود را تحقق بخشند. صنعت فیلم امریکایی، دومین محصول صادراتی این کشور پس از اسلحه به دیگر کشورهاست. بنابراین، شتاب روزافزون رسانه ها برای فتح بازارهای تازه جهانی، به تهاجمی مدرن می‌انجامد که می توان آن را امپریالیسم رسانه ای در مستعمراتی با مرزهای شیشه ای خواند که حوزه نفوذ آن هر لحظه با گسترش تکنولوژی و علوم ارتباطات، افزایش می یابد. در چنین کلونی‌هایی که مرزبندی ها ماهوی و نامحسوس است، رسانه های مدرن، به جای کشورها و دولت ها به کنترل بازار می پردازند و با تسلط بر سلیقه های مردم، می توانند جهت گیری‌های بازار را به سود خود تغییر دهند. شاید

۱- برگرفته از: علی نوری مطلق، نقش رسانه در تبیین دفاع و هجوم فرهنگی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص ۴۸.

برای بسیاری از مردم، پذیرش این امر سخت باشد که رسانه های سلطه‌جو، نگرش های ما را بر اساس اقتضای بازار شکل می دهند، ولی این امر حقیقت دارد. کمپانی الکترونیک ژاپنی سونی، مالک سی بی اس رکوردز (C.B.S) و کلمبیا پیکچر (C.P) است. شش کمپانی، ضبط موسیقی در جهان و هفت کمپانی تولید فیلم در امریکا، کنترل بیشتر تولیدات سینمایی و انحصار پخش آنها را در کل جهان در اختیار دارد. ای او ال (American On Line- AOL)، بزرگ‌ترین عرضه‌کننده خدمات و اخبار اینترنتی در امریکا، با ادغام در تایم وارنر در سال ۲۰۰۰، به بزرگ‌ترین شرکت رسانه ای جهان تبدیل شد.

پروفسور نورمن سالومن، پژوهشگر امریکایی در کتاب شما همیشه دروغ گفته‌اید که در سال ۲۰۰۱ منتشر کرد، شش ابررسانه سرمایه‌داری امریکایی را بررسی می‌کند که با محصولات رسانه ای خود در ایالات متحده و دیگر نقاط جهان، به منظور تحقق اهداف استعمار فرهنگی زرسالاران اقتدارطلب گام برمی دارند.

به گفته وی، کمپانی عظیم ای او ال ــ تایم وارنر، بخش اصلی بازار فیلم، شبکه (CNN)، اینترنت و رسانه های چاپی را قبضه کرده و بزرگ‌ترین انحصار جهانی در زمینه رسانه ای است. این شرکت بزرگ، از ترکیب غول بزرگ و جدید امریکن آن لاین با غول سنتی رسانه ای با نام تایم وارنر به وجود آمده است. امریکن آن لاین، بیشترین کاربران اینترنتی در امریکا و کانادا را پوشش می دهد و از طریق شبکه CNN و کمپانی فیلم‌سازی برادران وارنر، فرهنگ و باورهای نظام سرمایه‌داری را که در ایالات متحده

به ارزش های امریکایی یا اصطلاحاً «کیش امریکایی» موسوم شده‌اند، در سراسر دنیا گسترش می‌دهد.

دومین شرکت بزرگ رسانه‌ای، وایاکام، مالک شبکه های تلویزیونی بی‌شماری چون شبکه سراسری CBS امریکاست. از دیگر دارایی های اثرگذار و بزرگ این شرکت، شبکه تلویزیونی MTV است که با وجود ماهواره های بسیار، می‌توان در سراسر جهان از آن استفاده کرد. این شبکه، بخش بزرگی از ارزش های مورد توجه زرسالاران اقتدارطلب را به سراسر جهان صادر می‌کند. وایاکام، در عرصه صنعت سرگرم‌سازی و محصولات ویژه کودکان و نوجوانان، پس از کمپانی دیزنی، مقام دوم را در دنیا دارد.

نیوزکورپوریشن، سومین شرکت رسانه‌ای بزرگ سرمایه‌داری امریکاست که افزون بر ایالات متحده، در بسیاری از کشورهای جهان از جمله انگلیس، استرالیا، کانادا، هند، هنگ‌کنگ، چین و ایتالیا نیز سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده و در همه جای دنیا صاحب شبکه های رادیویی و تلویزیونی بی‌شماری است. نیوزکورپوریشن یا نیوزکورپ، از آن غول ثروتمند رسانه ای جهان، روبرت مرداک است که از اندیشه های فوق‌العاده راست‌گرایانه سرمایه‌داری امریکایی اثر می‌پذیرد. بخش بزرگی از مسئولیت صدور ارزش های امریکایی به دیگر نقاط جهان را نیز این شرکت بر عهده دارد. این شرکت رسانه‌ای به دلیل داشتن استودیوی بزرگ فیلم‌سازی کمپانی معروف فاکس قرن بیستم، تسلط و نفوذ بسیاری بر هالیوود دارد. افزون بر این، شبکه تلویزیونی ـ ماهواره ای فاکس و فاکس نیوز که از شبکه های جنجالی خبرساز به شمار می‌روند و مخاطبان بسیاری در سراسر امریکا و جهان دارند، متعلق به این شرکت هستند. همچنین در انگلستان، شبکه تلویزیونی اسکای (Sky) و سه روزنامه کثیرالانتشار تایمز، ساندی تایمز و

سان را در اختیار دارد و در هند، امریکای لاتین و استرالیا نیز چندین شبکه تلویزیونی داخلی را اداره می کند. به طور کلی، نیوزکورپ به تنهایی صاحب یک چهارم از کل رسانه‌های شنیداری، دیداری و چاپی جهان است.

چهارمین ابررسانه ای که نورمن به بررسی آن می پردازد، والت دیزنی است. والت دیزنی، بزرگ‌ترین شرکت رسانه ای منحصراً سرگرم‌کننده امریکا و جهان است که از نظر عظمت و درآمد مالی، پس از نیوزکورپ قرار می گیرد. این کمپانی که بسیاری با شنیدن نام آن به یاد کارتون های جذاب و ملودرام سینمایی و تلویزیونی می افتند، مالک شبکه تلویزیونی ــ ماهواره ای (ABC) است که در انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی به مردم امریکا نقش مؤثری دارد و بنا بر آمار سال ۲۰۰۰ میلادی کمیته نظارت بر رسانه های تصویری امریکا، بیش از هشتاد و سه درصد مردم امریکا و کانادا، اخبار و اطلاعات خود را از این شبکه و بخش خبری آن، ای بی سی نیوز دریافت می کنند.

از دیگر شرکت‌های رسانه‌ای که سرمایه‌داران امریکایی و اروپایی آن را تأسیس کرده‌اند و نفوذ گسترده و سوددهی بسیاری در اروپا دارد، کمپانی برتلزمان است. گستره نفوذ این کمپانی در خارج از امریکا، در مقایسه با دیگر رسانه‌های امریکایی به گونه‌ای است که برخی آن را یک کمپانی غیر امریکایی می‌دانند. خواهران معروف RTL که مجموعه‌ای از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و استودیوهای فیلم‌سازی هستند، به این غول رسانه ای اروپایی ــ امریکایی تعلق دارد. این شرکت همچنین انتشارات رندوم

هـاوس، یکی از بزرگ‌ترین مؤسسه هـای انتشـاراتی جهـان را در اختیـار دارد و سالانه میلیون ها جلـد کتاب در سراسـر جهان منتشر می کند.

ششمین ابررسانه سرمایه‌داری امریکا، جنرال الکتریک است. این شرکت که از قدیمی ترین شرکت‌های بزرگ امریکایی است و سابقه آن حتی به پیش از اختراع رادیو و تلویزیون می‌رسد، مالك شبکه‌هایNBC وCNBC است. شرکت جنرال الکتریک در اوایـل سـال ۲۰۰۱، بخش‌هـایی از شـبکه‌هـای تلویزیونی خود را بـا بخش‌هـایی از شـرکت عظیم مایکروسـافت ادغـام کرد. همچنین به تازگی با شرکت رسانه‌های ویوندی یونیورسال، صاحب کمپانی فیلم‌سازی مشهور یونیورسال به توافق رسیده است تـا به یکی از بخش‌های بزرگ این شـرکت بپیونـدد. با چنین اتفاقی، غول رسانه‌ای جدیـدی هم‌تراز با ای او ال ــ تایم وارنر و نیوزکورپوریشن ایجاد می شود.

تقریباً همه شـبکه‌های تلویزیونی ــ ماهواره‌ای و کابلی امریکا را که در خارج از خاك امریکا نیز مخاطبان بسیاری دارند، یکی از این شـش غول رسـانه ای اداره می‌کنـد. بـاور کردن این موضوع مشـکل است که اخبـار و اطلاعـات و برنامه‌های سـرگرمی گروه بزرگی از مردم جهـان، تنهـا از جـانب این رسـانه‌هـای انحصـاری تـأمین می‌شـود؛ رسـانه‌هـایی که مهم‌ترین ابزار تهـاجم فرهنگی اسـتعمارگران است. در اصل، امپریالیسم رسانه‌ای، یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سـرمایه‌داری و کالایی صادراتی است و با کنترل کمپانی‌های امریکایی بر رسانه‌های جریان اصـلی، ویژگی‌های فرهنگ سرمایه‌داری در سراسر جهان گسترش می‌یابد. هالیوود و تصویرسازی سـتارگان سـینمایی‌اش در سراسر جهان، «افکار امریکایی» را که چیزی جز فرهنگ سرمایه‌داری نیست، به همه مردم جهان تلقین می‌کند. لوگوهای محصولات امریکایی را

می‌توان در سراسر جهان شناسایی کرد. فرهنگ امریکایی، کوکاکولا، مک دونالد و نایک را به تمامی جهان صادر کرده است.

اکنون آنچه مهم به نظر می‌رسد، نفوذ همه جانبه موج فراگیر امپریالیسم رسانه‌ای در جنبه‌های نژادی و ملی است. این موج، در نخستین خیزش خود، حوزه کشورهای عربی و امریکای شمالی را درنوردیده و تولیداتی ویژه این دو حوزه، با هدفی کلی، در دستور کار آنها قرار گرفته است. فراگیری و تسلط این موج در کشورهای عربی به خوبی محسوس است، به گونه‌ای که جزئی‌ترین شئون اجتماعی و فردی را تحت تأثیر و تغییر قرار داده است. بدیهی است کوشش زرسالاران اقتدارطلب جهانی با بهره‌گیری از منابع گسترده ابررسانه‌ها تا تحقق کامل اهداف استعمار فرانو و گسترش حوزه نفوذ خود در همه نقاط جهان، ادامه خواهد داشت.(۱)

۱- بحث امپریالیسم رسانه ای، برگرفته از: پایگاه اینترنتی www.sharif news.ir.

فصل سوم : استعمار فرانو در مقابله با اسلام

اشاره

فصل سوم : استعمار فرانو در مقابله با اسلام

زیر فصل ها

۱. ماهیت تقابل اسلام و زرسالاران اقتدارطلب

۲. دلایل تقابل اسلام و استعمار فرانو

۳. مواضع جوامع اسلامی در رویارویی با استعمار فرانو

۴. استعمار فرهنگی؛ استراتژی استعمار فرانو برای مقابله با اسلام

۱. ماهیت تقابل اسلام و زرسالاران اقتدارطلب

۱. ماهیت تقابل اسلام و زرسالاران اقتدارطلب

در بررسی سطح رابطه تقابلی «اسلام» و «زرسالاران اقتدارطلب»، نخستین مسئله مهم، غیرموجه و نادرست بودن دو مقوله ای است که در این رابطه تقابلی مطرح می شود؛ زیرا اسلام یک دین است و زرسالاران اقتدارطلب، یک طبقه اجتماعی به شمار می روند. تقابل باید میان دو شیء گوناگون، ولی هم‌جنس صورت بگیرد، مانند تقابل قشر زرسالاران اقتدارطلب با قشر محرومان یا دین اسلام با دین مسیحیت که هر دو از یک جنس هستند. این یک حقیقت و شاید بتوان گفت از بدیهیات است. اگر زمانی عبارتی مانند «شمال و اسلام» یا «جنوب و مسیحیت» را بشنویم، به نظر ما جمع میان این دو مقوله، ناموجه و نامأنوس است. حال این پرسش مطرح است که چرا مردم کشورهای اسلامی و اقشار طبقه زرسالاران اقتدارطلب، نسبت به تقابل یک دین و یک طبقه اجتماعی هیچ‌گونه حساسیتی نشان نمی دهند؟ شاید بتوان گفت که تکرار عبارت «اسلام و زرسالاران اقتدارطلب»، در خو گرفتن و تسلیم شدن در برابر این عبارت مؤثر بوده است، ولی مسئله تکرار در اینجا مبیّن همه چیز نیست. حقیقت آن است که اسلام و زرسالاران اقتدارطلب، هر دو به مفهومی ایدئولوژیک وابسته‌اند که هر کدام ماهیت نسبیت و چندگانگی خود را پنهان کرده‌اند. اگرچه

زرسالاران اقتـدارطلب، یک طبقه اجتماعی است، ولی نماینـده یک ایـدئولوژی برخوردار از یک نظام فکری و عملی گسترده است. این ایـدئولوژی، تمـدنی با نام تمـدن غرب را بنیان نهاده است و اسـلام نیز به عنوان یک دین، با ایـدئولوژی قوی و نظام فکری و عملی کامل و جامع خود شناخته می شود.(۱)

بر این اساس، آنچه در رابطه تقابلی اسلام و زرسالاران اقتدارطلب وجود دارد، تقابل دو ایدئولوژی است، نه تقابل یک دین با یـک طبقه اجتمـاعی. وجود یک طیف ایـدئولوژیک در هر دو مقوله اسـلام و زرسالاران اقتـدارطلب، ناموجه و نامأنوس بودن این رابطه تقابلی را توجیه می کند.

۲. دلایل تقابل اسلام و استعمار فرانو

اشاره

۲. دلایل تقابل اسلام و استعمار فرانو

واژه اسـلام، در مراجع عربی ـ اسـلامی، تنهـا به دینی گفته می‌شود که حضـرت محمـد صـلی الله علیه و آله پیـام‌آور آن بوده است، ولی در مراجع غربی، مفاهیم بسـیاری دارد. در دایره المعارف لاروس سال ۱۹۶۲ فرانسه، واژه اسلام یا Islam، به دین مسـلمانان و مجموعه کشورهایی که مسـلمان هستند گفته می‌شود و در لغت‌نامه لاروس سال ۱۹۹۴، واژه اسـلام به معنای دین مسـلمانان، جهان اسـلام و تمـدن آن بیان شده است. در مجموع، در لغت‌نامه های غربی، سه مفهوم برای واژه اسـلام بیان شده است: دین اسلام؛ کشورها و ملت‌های اسلامی؛ تمدن اسلامی.(۲)

۱- بر گرفته از: محمـد عابد الجابری، مقاله «ماهیت روابط اسـلام و غرب»، ترجمه: صالح واصـلی، پایگاه اینترنتی: www.al-shia.com

۲- بر گرفته از: محمـد عابد الجابری، مقاله «ماهیت روابط اسـلام و غرب»، ترجمه: صالح واصـلی، پایگاه اینترنتی: www.al-shia.com

مراجع غربی با تحمیل سه مفهوم به واژه اسلام، به هر یک چهره ویژه‌ای داده‌اند. یک اسلام را به عنوان دین، یکی را به معنای کشورها و ملت‌ها و دیگری را به مفهوم تمدن قلمداد می کنند. تقسیم اسلام به چند مفهوم، امکان ایجاد دیدگاه‌های متفاوتی را نسبت به اسلام به وجود آورده است.

نگاه به اسلام به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای غرب، نظام سرمایه‌داری و کاخ تمدن آن، رایج‌ترین نگاه نظام سرمایه‌داری غرب به اسلام است. این نگاه ویژه به اسلام که در دوران حاضر، از سوی استعمارگران استعمار فرانو به عنوان تنها موضع نگاه به اسلام مطرح است، هراسی در دل زرسالاران اقتدارطلب افکنده است. زرسالاران می کوشند با منتقل کردن هراس خود از اسلام به دیگر طبقات اجتماعی و استفاده کردن از مفاهیمی چون تهدید اسلامی، تمامی جهان خارج از اسلام را با خود هماهنگ سازند، ولی به راستی ماهیت رابطه تقابلی اسلام و استعمار فرانو از چه عواملی سرچشمه می گیرد؟

الف) ماهیت ایدئولوژی اسلام

در استعمار فرانو، زرسالاران اقتدارطلب می کوشند با بهره گیری از فرهنگ مادی، به صورت انواع و اقسام تخصص‌ها و کارشناسی‌ها، برای اداره و کنترل جنبه‌های گوناگون یک نظام اجتماعی برنامه‌ریزی کنند. در چنین جامعه ای آنچه چگونگی موضع گیری انسان را تعیین می کند، اندیشه مبتنی بر «اصالت ماده» است. مادی بودن در عمل، زمینه اعتقاد به اصالت ماده در مرتبه «نظر» و «قلب» را فراهم می کند. در نظام مادی زرسالاران، روند و مسیر رشد، با زبان ماده آموزش داده می شود و دنیا به جای «راه»، «هدف» قرار می

گیرد. تکامل چنین اندیشه‌ای، چیزی جز استعمار فرانو یا کوشش برای سیطره کامل و همه‌جانبه بر منابع جهانی نیست، ولی تحقق اهداف فرانو مانند استعمار کهن و نو، با مانع جدی و بزرگی چون دین اسلام روبه‌رو است.

امروزه زرسالاران اقتدارطلب، اسلام را بزرگ‌ترین مانع تحقق اهداف استعماری فرانو خویش می دانند و آشکارا به آن اعتراف می کنند؛ زیرا:

۱. اسلام، در طول تاریخ، مقاومت های سرسختانه ای از نظر عقیدتی و سیاسی، در برابر اندیشه های قدرت‌طلبانه و دنیامدار داشته است؛

۲. اسلام، تنها دینی است که در اندیشه اصلاح جهانی است و همه پیروان آن موظفند زمینه تحقق آن را فراهم کنند؛

۳. در حال حاضر، یک چهارم جمعیت دنیا؛ یعنی یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر در سراسر دنیا مسلمان هستند؛

۴. اسلام، آخرین دین بزرگی است که پس از مسیحیت ظهور کرده و روز به روز دامنه نفوذ آن در سطح جهان در حال گسترش است.(۱)

راجر هاردی، از برنامه‌سازان شبکه تلویزیونی BBC در سخنانی، نگرانی غرب سرمایه‌داری از اسلام را چنین بیان می کند:

اسلام، امروز بزرگ‌ترین مسئله غرب است، حتی یک مسئله جهانی است. اسلام، امروز نه تنها در خاورمیانه، بلکه در همه جا عالم‌گیر شده و مبارزه با آن بسیار مشکل است.(۲)

۱- برگرفته از: محمد ونکی فراهانی، گذری بر اندیشه دینی در غرب، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴، صص۱۲۲-۱۲۳.

۲- برگرفته از: پایگاه اینترنتی www.mehrnews.com .

همچنین چاپ جمله‌هایی چون «قـدرت اسـلام، بزرگ‌ترین قـدرت قرن بیست و یکم خواهـد بود»،(۱) از دکـتر ربرت کرین، مشاور وقت نیکسون، در هفته‌نامه المسلم، چاپ لندن یا «آینده از آن اسلام است»،(۲) در روزنامه ایتالیایی ایل جرناله، همگی بیـانگر هراس و نگرانی سـردمداران جوامع غربی از رشـد اسـلام و جهـانی شـدن آن است. این نگرانی هـا سـبب شـده است تا زرسالاران جهانی، پیکان تهاجم خویش را به سوی اسـلام نشانه بگیرنـد و تمامی تلاش خود را به کار بندند تا با بهره‌گیری از روش‌های نظامی و غیرنظامی چون تخدیر، تحمیق و تطمیع ملل اسلامی، اهداف استعماری‌شان را تحقق بخشند.

ب) نگاه دنیای مسیحیت به اسلام

نوع نگاه مسیحیت به اسلام، از زمان صدر اسلام تاکنون، دشمنانه و کینه‌توزانه بوده است. اگرچه گسترش فتوحات اسلامی در سرزمین‌های مسـیحی‌نشـین، سـبب پیونـد بیش از پیش مسـلمانان با مسـیحیان شـد، ولی هر انـدازه دیدگاه اسـلام به مسـیحیان، مسـالمت‌جویـانه بود، دیـدگاه مسـیحیان نسبت به مسـلمانان، منفی و کینه‌توزانه بود. سه عامـل اصـلی در ایجاد و تقویت چنین موضع‌گیریی از سوی مسیحیان نقش داشت:

یـک ــ این حقیقت که هر دین جدیـد، موجـودیت خود را مـدیون نفی دین قبلی می دانـد و دین پیشـین نیز بـا نپـذیرفتن دین جدیـد، موضع‌گیری می کنـد. برای مثال، مسـلمانان از اسـلام به عنوان تنها دین الهی دفاع می کننـد و معتقدنـد که کتاب‌های ادیان توحیدی دیگر مانند یهود و مسیحیت، به

۱- برگرفته از: پایگاه اینترنتی www.mehrnews.com .

۲- برگرفته از: پایگاه اینترنتی www.mehrnews.com .

دست مسئولان و دانشمندان دینی آنها تحریف شده است، در حالی که خداوند، قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان را از چنین دست‌کاری‌هایی ایمن داشته و این امر را تضمین کرده است. این نوع نگرش اسلام به مسیحیت و طرح این مسئله که اگرچه مسیحیت به طور کامل از دین توحیدی خارج نشده، ولی دیدگاه ادراکی آن کم رنگ شده است، نگاه منفی دنیای مسیحیت به اسلام را در پی داشت.

دو ـ تصرف سرزمین های مسیحی‌نشین به دست مسلمانان سبب شد کلیسا تسلط خود را بر بخش های گسترده ای از دنیای مسیحیت از دست بدهد. ازاین‌رو، روحانیان مسیحی از سر خشم و کینه به تبلیغ بر ضد اسلام و مسلمانان پرداختند.

سه ـ شکوفایی تمدن اسلامی در زمانی که غرب مسیحی، در بی‌فرهنگی و عقب‌ماندگی قرون وسطایی خود به سر می برد، سبب واکنش منفی مسیحیان شد. مسیحیان که پیشرفت مسلمانان و عقب‌ماندگی خود را می دیدند، برای فروکش کردن آتش حسد و کینه خویش کوشیدند برخی کارهای مسلمانان را مانند اجازه اسلام به مردان برای اختیار کردن چندین همسر، ضد اخلاقی نشان دهند و چنین وانمود کنند که مسلمانان تنها در زمینه های مادی پیشرفت کرده‌اند و از ارزش های اخلاقی بی‌بهره‌اند.(۱)

ج) نگرش نظام سرمایه‌داری

غرب و نظام سرمایه‌داری، میان «من» و «دیگری» تقابل قائل می شود. اندیشه «من» و «دیگری» که از اندیشه مبتنی بر اصالت ماده سرچشمه می

۱- گذری بر اندیشه دینی در غرب، صص۹۱و۹۲.

گیرد، زمانی مطرح است که هـدف، کسب منافع مادی باشـد. در این اندیشه، «من» در مفهوم ضدیت با دیگری معنا می یابد و «دیگری»، بـه مثابه دشـمن یـا موضـوعی برای سـلطه‌جـویی اسـت. این‌گـونه نگرش به دیگری که منشأ دیگر رفتارهـای نظـام سرمایه‌داری قرار می گیرد، جز ایجاد حس دشمنی با اسلام، نتیجه دیگری برای غرب ندارد.(۱)

۳. مواضع جوامع اسلامی در رویارویی با استعمار فرانو

اشاره

۳. مواضع جوامع اسلامی در رویارویی با استعمار فرانو

جامعه‌های اسـلامی برای مقابله با تهاجم زرسالاران اقتدارطلب، مواضع متفاوتی برمی‌گزینند. جوامع اسلامی را می‌توان در این زمینـه بـه پنـج گروه سـتون پنجم، فرصت‌طلبـان، فریب‌خوردگـان، مـدافعان از حیـثیت و بلنـدهمتان تقسـیم کرد که به توضـیح ویژگی‌های هر گروه می پردازیم.

الف) ستون پنجم

این گروه از جوامع، به ظاهر در جوامع اسـلامی قرار دارنـد، ولی درحقیقت، بـا پـذیرفتن انـدیشه، ایـدئولوژی و سـیاست‌هـای زرسالاـران اقتـدارطلب، در جبهـه اسـتعمار فرانـو فعـالیت می کننـد. ایـن گروه در حـد تـوان بـه اسـتعمارگران برای اجرای سیاست‌هایشان کمک می کند.

ب) فرصت‌طلبان

بـا آغـاز تهـاجم اسـتعمار فرانو، گروهی از جوامع اسـلامی به گمان اینکه منافعشان در همراهی با زرسالاران اقتـدارطلب تأمین می‌شود، با فرصت‌طلبی، استعمارگران را در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایشان همراهی و کمک می‌کنند. کسب منافع از شرایط موجود، مهم‌ترین هدف فرصت‌طلبان است.

۱- برگرفته از: مقاله «ماهیت روابط اسلام و غرب».

ج) فریب‌خوردگان

این گروه از جوامع اسلامی، تحت تأثیر تبلیغات فریبنده زرسالاران اقتدارطلب، در برابر سیاست‌ها و برنامه های آنان مغلوب می شوند. فریب‌خوردگان، با حقیقت پنداشتن شعارهای فریبنده دموکراسی، عمران و آبادی، با آغوش باز به استقبال برنامه های استعمار فرانو می روند.

د) مدافعان حیثیت

اعضای این گروه با آگاهی به اینکه ورود دشمن، منافع آنها را پای مال می سازد و در این تهاجم به هیچ چیز و هیچ کس رحم نمی شود، به مقاومت در برابر تهاجم زرسالاران اقتدارطلب برمی خیزند. مقاومت این گروه تنها به دفاع از سرزمین و منافع خویش محدود است.

ه) بلندهمتان

بلندهمتان با درک اهداف حقیقی پنهان شده در پشت تبلیغات فریبنده زرسالاران اقتدارطلب، به مقاومت در برابر استعمارگران برمی خیزند. آنها مقاومت را فقط به دفاع از منافع خویش محدود نمی دانند و از تمام سرزمین های اسلامی و منافع امت اسلامی با تمام توان دفاع می کنند. مبارزه بلندهمتان تا از پای درآوردن دشمن ادامه می یابد.(۱)

۴. استعمار فرهنگی؛ استراتژی استعمار فرانو برای مقابله با اسلام

اشاره

۴. استعمار فرهنگی؛ استراتژی استعمار فرانو برای مقابله با اسلام

اگر استعمار فرانو را سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کامل، همه‌جانبه، تدریجی و نامحسوس بر تمام منابع حیاتی و مالی جهان تعریف کنیم، سلطه فرهنگی، اساس و زیربنای سلطه اقتصادی و سیاسی است. سیطره بر اقتصاد و سیاست، با

۱- محمدجعفر امامی، صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری،۱۳۸۴، پایگاه اینترنتی: simayematloob.persianblog.com.

اندیشه و فرهنگ آغاز می شود؛ زیرا اندیشه مستقل، اقتصادی مستقل مبتنی بر واقعیت اصولی و ویژگی‌های ذاتی پدید می آورد. تفکر وابسته یا فرهنگ وارداتی اقتصادی اگرچه از امکانات مادی برخوردار باشد، از چارچوب وابستگی اقتصادی و قالب‌های آماده شده خارج نمی شود. سیاست مستقل و آزاد نیز تنها از فرهنگی مستقل پدید می‌آید. تعریف مفاهیمی چون سلطه‌گری، وابستگی یا استقلال در فرهنگ سیاسی یک کشور، جهت‌دهنده و مشخص‌کننده مسیر فعالیت‌های سیاسی یک کشور است.

بر همین اساس، استعمارگران استعمار فرانو در رویارویی با اسلام، فرهنگ اسلامی و به عبارتی، بینش‌ها، باورها، گرایش ها و رفتارهای مادی و معنوی امت اسلامی را هدف قرار می‌دهند. زرسالاران اقتدارطلب می‌کوشند با سلطه فرهنگی بر مسلمانان، مقدمات سلطه اقتصادی و سیاسی خود را فراهم کنند. به عبارت دیگر، با هجوم به فرهنگ، هم به ریشه حمله می شود و هم به ساقه، برگ و میوه ها دستبرد زده می شود. هرچند در این هجوم، غارت میوه ها مشهودتر است، ولی خشکاندن ریشه ها، خطرناک‌تر و نابودکننده‌تر است. نابودی باورها، بینش ها و ارزش های معنوی و جای گزین ساختن فرهنگ مادی در ذهن تک‌تک مسلمانان، هدفی است که استعمارگران بی‌وقفه در پی تحقق آن هستند. القای اندیشه های انسان‌محوری در برابر خدامحوری، اصالت دنیا و مادی‌گرایی در برابر امور معنوی و آخرت‌گرایی، تقدس‌بخشیدن به دانش و یافته های ذهنی و فکری انسان به جای آموزه‌های آسمانی دین اسلام و ترویج

لذت‌جویی مادی در برابر آرامش‌خواهی معنوی فرهنگ اسلامی، نتیجه ای جز استحاله فرهنگی مسلمانان ندارد.(۱)

آنچه در جریان استعمار فرهنگی امت اسلامی رخ می دهد، چیزی فراتر از تهاجم فرهنگی است و در حقیقت، شبیخون فرهنگی، غارت فرهنگی و قتل عام فرهنگی به شمار می‌رود.

برنامه های استعمار فرهنگی برای مبارزه با اسلام

اشاره

برنامه های استعمار فرهنگی برای مبارزه با اسلام

زیر فصل ها

۱. تضعیف باورها و اندیشه‌های اسلامی

۲. تحریف گرایش های معنوی اسلام

۳. گسترش فساد، فحشا و منکر در جامعه‌های اسلامی

۴. تخریب و نفی هویت ملی اسلامی

۵. گسترش روحیه سرمایه‌داری و مادی گری

۶. تخریب و طرد الگوهای اسلامی

۷. خبرپردازی و تصویرسازی منفی از اسلام

۸. تحریک مذاهب اسلامی علیه یکدیگر

۱. تضعیف باورها و اندیشه‌های اسلامی

۱. تضعیف باورها و اندیشه‌های اسلامی

نخستین برنامه استعمار فرهنگی زرسالاران اقتدارطلب برای مقابله با اسلام، تضعیف و تخریب باورها و اندیشه های اسلامی مسلمانان است. نابودی تمام ارزش‌ها و باورهای دینی، با کم‌رنگ کردن نقش قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم(علیهم‌السلام) آغاز می شود. قرآن، ثقل اکبر و حلقه پیوند مسلمانان با یکدیگر است که اگر کنار نهاده شود،

دیگر اصول اسلامی نیز کم اثر می شود. استفاده از قرآن کریم در حکومت‌های ضد قرآنی به ظاهر مسلمان و تفسیر آن از سوی مفسران طاغوتی، به عنوان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگری‌ها و نسبت دادن اندیشه های منحرف و ضد اسلامی به قرآن، از جمله فعالیت‌هایی است که استعمارگران برای خارج ساختن قرآن از صحنه زندگی مسلمانان از آن بهره می‌برند.(۲)

۱- نک: مهدی نوید، فرهنگ و مقاومت فرهنگی، تهران، انتشارات محسنی، ۱۳۷۴، صص ۲۵ _ ۳۱.

۲- نک: امام خمینی رحمه الله، نگرشی موضوعی بر وصیت‌نامه سیاسی _ الهی امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸، ص ۸۳.

همچنین زرسالاران می کوشند با طرح شعار «جدایی دین از سیاست»، نقش روحانیان و رهبران مذهبی را در جامعه‌های اسلامی به عنوان کارشناسان دینی، مفسران احکام قرآنی و پاسداران حریم اندیشه اسلامی و قرآنی تضعیف کنند. تضعیف و تخریب چهره روحانیان، زمینه تضعیف اندیشه‌های اسلامی را فراهم می کند. طرح و القای شبهه‌های وسوسه‌انگیز درباره مفاهیم قرآنی، از دیگر روش‌های تضعیف ایمان اسلامی است. القای شبهه‌هایی چون توکل بر خدا، مستلزم تنبلی و سستی است یا تعدد همسران در اسلام و زن بودن فقط یکی از معصومان نشان‌دهنده نگاه تحقیرآمیز اسلام به زن است، به ترک های کوچکی می‌ماند که سرانجام به شکستن ظرف ایمان می‌انجامد. منفی انگاشتن اصول اخلاقی اسلام چون امر به معروف و نهی از منکر با عنوان تجاوز به حریم خصوصی افراد، حجاب اسلامی به عنوان محدودیت آزادی بانوان، بی‌منطق و بی‌معنا جلوه دادن مفاهیم قرآنی چون انفاق و ایثار، ترویج فرهنگ بی‌توجهی به هم‌نوعان و دیگر مسلمانان، بزرگ‌نمایی مشکلات فکری مسلمانان، غافل کردن مسلمانان از مبانی استدلالی و منطقی اسلام و ترویج فرهنگ سطحی‌نگری و واپس گرایی، از دیگر روش‌های استعماری است که استعمارگران در تضعیف ایمان اسلامی از آن بهره می جویند.(۱)

۲. تحریف گرایش های معنوی اسلام

۲. تحریف گرایش های معنوی اسلام

تحریف گرایش‌های معنوی اسلام از روش‌هایی است که دشمنان اسلام از آغاز اسلام تاکنون همواره در مبارزه با اسلام از آن بهره برده‌اند. زرسالاران اقتدارطلب نیز در رویارویی با اسلام از این شیوه استفاده می کنند. ترویج عرفان کور، زهدگرایی منفی یا رهبانیت، ایمان بدون ولایت، ولایت ضد

۱– نک: شبهات، پایگاه اینترنتی: www.porsojoo.com.

توحید، خرافه گرایی، ستم‌پذیری و تحریف مفاهیم والای تعبد، توکل، دعا، انتظار و قضا و قدر، از جمله فعالیت‌هایی است که برای تحقق این برنامه استعماری، سامان‌دهی و اجرا می شود.(۱)

۳. گسترش فساد، فحشا و منکر در جامعه‌های اسلامی

۳. گسترش فساد، فحشا و منکر در جامعه‌های اسلامی

بی‌شک، از کارسازترین و مؤثرترین حربه های دشمنان و استعمارگران در برخورد با اسلام، گسترش فساد، فحشا و بی‌بندوباری در میان جوامع اسلامی به ویژه نسل جوان؛ سرمایه‌های اصلی و پرتوان و نیرومند امت اسلامی است. نفس انسانی تمایل شدیدی به سوی امیال و هوا و هوس های شیطانی دارد که اگر زمینه فساد در جامعه برای او فراهم باشد و این تمایل در انسان تداوم یابد، سبب فروپاشی ارزش‌های ایمانی و معنوی در وی می شود. آگاهی دشمنان اسلام از نقش مؤثر بی‌بندوباری در نابودی ارزش های معنوی سبب شده است تا گسترش فساد و فحشا را به عنوان یکی از برنامه های اصلی استعمار فرهنگی تعقیب کنند. نمونه های تلخ تاریخی بسیاری در این زمینه وجود دارد که غروب آفتاب اسلام در اندلس (اسپانیا)، یکی از این موارد است. اندلس روزگاری به عنوان کانون دانش و عزت و عظمت مسلمانان شناخته می‌شد. دشمنان نمی‌توانستند این کشور اسلامی را با هیچ یک از روش‌های استعمار نظامی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تسخیر کنند، ولی سرانجام با اجرای طرح و نقشه ای مبنی بر گسترش فساد و بی‌بندوباری در میان جوانان، اندلس را از دست مسلمانان خارج ساختند. حجاب و پوشش مناسب و درخور شأن انسان، همراه با حیا و متانت، از روش های بسیار مؤثر برای حفظ ارزش های معنوی و نیز کنترل غریزه جنسی است. بدحجابی و چه بسا ترک حجاب، موجب برتری غریزه بر عقل در افراد می‌شود و این ناهماهنگی در قوای

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص۴۳.

انسان، انسان را از مسیر اصلی رشد و کمال خارج می کند. بی‌شک، آثار و نتایج شوم بدحجابی، هدف استعمارگران برای سلطه و سیادت بر جوامع اسلامی را تحقق می بخشد. ازاین‌رو، در طول تاریخ، استعمارگران همواره به پوشش و حجاب اسلامی به عنوان مانعی برای تحقق اهداف استعماری خود در سرزمین‌های اسلامی نگریسته‌اند.(۱)

زمانی وزارت مستعمره‌های انگلیس با این عنوان که «چگونه اسلام نابود می شود»، بیان کرد: «به هر وسیله‌ای شده، باید زن مسلمان را از حجاب اسلامی خارج کرد و بی‌حجابی را در میان زنان مسلمان گسترش داد.»(۲) نظریه سیاسی اشغالگران فرانسوی برای حاکمیت سیاسی بر الجزایر نیز چنین بود:

اگر بخواهیم بر تار و پود بافته جامعه الجزایر هجوم بریم و استعداد مقاومت او را مغلوب سازیم، باید نخست زن ها را زیر سلطه قرار دهیم یا به چادری رسوخ کنیم که خود را در درون آن می پوشانند... .(۳)

فرانتس فانون نیز درباره حجاب زنان مسلمان می گوید:

هر جا چادری (حجابی) به دور انداخته و کنار گذاشته می شود، افق جدیدی را که بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر وی می گشاید.(۴)

بدحجابی، دروازه انحراف‌های اخلاقی است و جانشین شدن بی‌اعتنایی و پای بند نبودن جوانان به ارزش های اخلاقی چون عفاف و خویشتن‌داری، کنترل نگاه و رعایت کردن حریم در روابط زن و مرد، از نتایج شوم گسترش بی‌بندوباری است.

۱- برگرفته از: رمضان علی خواجه، مقاله «خطراتی که جوانان را تهدید می‌کند و راه جلوگیری آن»، ماه نامه تربیت،۱۳۸۲، ش۶، صص۳۹-۴۲.

۲- برگرفته از: رمضان علی خواجه، مقاله «خطراتی که جوانان را تهدید می‌کند و راه جلوگیری آن»، ماه نامه تربیت،۱۳۸۲، ش۶، ص۴۱.

۳- برگرفته از: رمضان علی خواجه، مقاله «خطراتی که جوانان را تهدید می‌کند و راه جلوگیری آن»، ماه نامه تربیت،۱۳۸۲، ش۶، ص۴۱.

۴- برگرفته از: رمضان علی خواجه، مقاله «خطراتی که جوانان را تهدید می‌کند و راه جلوگیری آن»، ماه نامه تربیت،۱۳۸۲، ش۶، ص۴۱.

استعمارگران همواره با آگاهی از نقش مؤثر انحراف‌های اخلاقی در تحقق اهداف استعماری‌شان، با بی‌شرمی، دیدگاه‌های خود را درباره بی‌توجهی و پای بند نبودن جوانان امت اسلامی به ارزش های اخلاقی این‌گونه بیان می کنند:

ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سلطه ما در آنجا باز گردد. جوامعی که اخلاقیات را در آنها از بین برده‌ایم، وجود خدا را نفی می کنند... .(۱)

وزارت مستعمره‌های انگلیس بار دیگر با عنوان «چگونه اسلام نابود می شود»، آورده است:

باید در میان مسلمانان، آزادی را به معنای بی‌بندوباری گسترش داد و به آنها تلقین کرد که امر به معروف و نهی از منکر معنا ندارد و هر کس باید در کار خود آزاد باشد.(۲)

ورود و گسترش مواد مخدر و مسکرات، ایجاد و تقویت گروه‌های بزه‌کار اجتماعی و اقتصادی، رواج عکس و فیلم‌های مبتذل سینمایی، تلویزیونی و ماهواره‌ای، چاپ و نشر کتاب‌ها و مجله‌های دارای مطالب و تصاویر مخرب و آلوده‌کننده و تهیه و توزیع نوارهای موسیقی مهیج و مبتذل، ابزارهایی است که زرسالاران استعمارگر برای گسترش فساد و منکر در جوامع اسلامی از آن بهره می جویند.

۴. تخریب و نفی هویت ملی اسلامی

۴. تخریب و نفی هویت ملی اسلامی

پیوندهای ملی و بومی، از عوامل پایداری جامعه و ایجاد هویت واحد است. در بیشتر کشورهای اسلامی، هویت ملی و بومی، با هویت اسلامی عجین گشته و به صورت تفکیک‌ناپذیری در هم گره خورده است. استعمارگران با بی‌هویت جلوه دادن مسلمانان و ایجاد تفرقه های فرهنگی ــ زبانی میان آنها، زمینه های گسستگی پیوندهای اجتماعی را در میان جامعه‌های

۱- برگرفته از: رمضان علی خواجه، مقاله «خطراتی که جوانان را تهدید می کند و راه جلوگیری آن»، ماه نامه تربیت،۱۳۸۲، ش۶، ص۴۱.

۲- برگرفته از: رمضان علی خواجه، مقاله «خطراتی که جوانان را تهدید می کند و راه جلوگیری آن»، ماه نامه تربیت،۱۳۸۲، ش۶، ص۴۱.

اسلامی فراهم می‌سازند. تبلیغ و ترویج پان عربیسم، پان‌ترکیسم و پان ایرانیسم نیز بر اساس همین اندیشه صورت می پذیرد.

اسلام هیچ قومی را برتر ندانسته است و خود را به هیچ ملتی مختص نمی داند و حتی اعراب را که پیامبر اسلام از میان آنان برانگیخته شده است، برتر از دیگر مسلمانان نمی‌داند. با این حال، دشمنان اسلام و استعمارگران می کوشند با ایجاد انگیزه های ناسیونالیستی، هویت ملی و اسلامی مسلمانان را از یکدیگر تفکیک کنند و در تقابل با هم قرار دهند.

با ترویج و برتری احساسات ملی بر باورهای مذهبی، اسلام به تدریج از جامعه‌های اسلامی رخت برمی بندد. با حذف اسلام، هویت ملی و بومی عجین شده با اسلام با بحران روبه‌رو می گردد و آن گاه استعمارگران، فرهنگ و اندیشه های خود را در خلأهای ایجاد شده پس از حذف اسلام، به جوامع اسلامی تزریق می کنند. برای نمونه، در بیشتر جامعه‌های اسلامی غیر عربی، خط و زبان؛ دو نماد هویت ملی، با فرهنگ اسلامی درآمیخته و هویت اسلامی ـ ملی به خود گرفته‌اند. بسیاری از مفاهیم اسلامی در این جوامع، در قالب خط و زبان ملی شکل گرفته و انتقال یافته است. تضعیف خط و زبان ملی در این جوامع، افزون بر تهدید هویت ملی، تهدیدی برای فرهنگ اسلامی و هویت اسلامی است.(۱)

استعمارگران و دشمنان اسلام با آگاهی از نقش خط و زبان در جامعه‌های اسلامی، برای بی‌اعتبار کردن این میراث گران‌بها می کوشند و درصددند خط و زبان خویش را به عنوان یک ارزش به ویژه در میان قشر تحصیل کرده گسترش دهند.

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص۴۳-۴۷.

۵. گسترش روحیه سرمایه‌داری و مادی گری

۵. گسترش روحیه سرمایه‌داری و مادی گری

یکی از خطرناک‌ترین برنامه های استعمار فرهنگی، گسترش فرهنگ مادی گری و سرمایه‌داری است. فرهنگ مادی، وجود معنویات را انکار می‌کند و فقط وجود ماده را می پذیرد. تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، فزون‌خواهی، مال‌اندوزی، گران‌فروشی، رشوه‌خواری، ریا و چاپلوسی، از مظاهر فرهنگ سرمایه‌داری است. گسترش روحیه سرمایه‌داری با هدف سلطه بر جوامع اسلامی، نیازمند پذیرش و میل و رغبت امت اسلامی نسبت به فرهنگ سرمایه‌داری غربی است. ازاین‌رو، استعمارگران می‌کوشند نگرش مثبتی را از خود در ذهن جوامع اسلامی ایجاد کنند.

ترجمه و نشر کتاب‌های علمی و اجتماعی مبتنی بر فرهنگ سرمایه‌داری غربی، بزرگ‌نمایی استعدادها و توانایی‌ها، نمایش دستاوردهای علمی، فنی و تکنولوژیکی و تبلیغ قدرت نظامی و اقتصادی نظام‌های سرمایه‌داری غرب به همراه گسترش روحیه مادی گری و تظاهر به خوش بختی و آرامش، به تصور جامعه آرمانی از غرب در اذهان می‌انجامد.(۱) نتیجه چنین نگرشی، نگاه تحقیرآمیز به فرهنگ ملی و اسلامی، پذیرش و استقبال از فرهنگ سرمایه‌داری غربی و در نتیجه، مادی‌گرایی و غرب‌باوری است. در چنین شرایطی، هر چه با واژه غربی همراه باشد، مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفت به شمار می‌آید و اگر با واژه های ملی اسلامی به کار رود، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی خواهد بود. با حاکم شدن چنین روحیه ای در جوامع اسلامی، سلطه زرسالاران بر منافع مسلمانان به آسانی امکان‌پذیر است.

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص۴۵-۴۶.

۶. تخریب و طرد الگوهای اسلامی

۶. تخریب و طرد الگوهای اسلامی

اثرپـذیری از الگو، یکی از ویژگی‌هـای رفتـار انسـانی است. انسان‌ها برای تنظیم امور زنـدگی خویش، از افراد، شخصـیت‌ها و محیط خویش الگو می گیرند. قهرمانان و شخصـیت‌های اسـلامی به عنوان الگوهای امت اسـلامی، از عوامل پویایی و بالندگی جوامع اسلامی به شمار می‌روند.

دشـمنان اسـلام بـا درک موقعیت و جایگـاه الگوهـا در جوامع اسـلامی و نیـاز این جـامعه‌ها برای اثرپـذیری و هماهنگی با این الگوهـا، به تخریب شخصـیت‌هـای اثر گـذار می پردازنـد. گستردن دام‌هـای گونـاگون برای تطمیع و منحرف ساختن قهرمانان، شخصـیت‌هـای برجسته و صـاحب‌نظران اسـلامی، نخستین اقـدام اسـتعمارگران است و در صورت موفق نشـدن، بـا اسـتفاده از امکانات و ابزارهای تبلیغی و نشـر شایعه‌ها و اکاذیب، ترور شخصـیتی الگوها را در دسـتور کار خویش قرار می دهنـد. عرضـه الگوهای ضداسـلامی در زمینه های گوناگون، آخرین مرحله از برنامه استعمار فرهنگی تخریب و طرد الگوهای اسلامی است. تقویت و بزرگ‌نمایی روشن‌فکران غرب‌زده و تکنوکرات‌های خودباخته ای که نقش بلندگوهای تبلیغاتی اسـتعمارگران را در جوامع اسـلامی ایفـا می کننـد، آنان را به آسانی، جای گزین الگوهای اسـلامی می سازد.(۱) تقویت الگوهای ضداسـلامی در زمینه‌هایی چون مصـرف، پوشـش و آرایش در قالب فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی، برنامه های ماهواره‌ای، کتاب‌ها، مجله‌ها و نشـریه‌ها، مجمع‌های ادبی و هنری و جوایز گوناگون جشـنواره ها، روش‌های شناخته شده ای است که استعمارگران همواره از آنها استفاده می کنند.

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص۴۴-۴۶.

۷. خبرپردازی و تصویرسازی منفی از اسلام

۷. خبرپردازی و تصویرسازی منفی از اسلام

امروزه در حالی زرسالاران استعمارگر می کوشند از حربه خبرپردازی و تصویرسازی منفی از اسلام استفاده کنند که رشد جمعیت مسلمانان در بیشتر نقاط جهان، آنان را از گسترش دامنه اسلام به وحشت و هراس افکنده است. هفته‌نامه اشپیگل در تحلیلی از وضعیت اسلام در اروپا می نویسد:

اسلام، زنده‌ترین و پویاترین دین در میان ادیان جهانی است. سرعت رشد هیچ یک از جوامع دینی به پای سرعت رشد اسلام نمی رسد. دین اسلام برای ما ناشناخته‌ترین ادیان جهان است... . امروزه ناظران غربی با سردرگمی شاهد پیشروی اسلام هستند. برای مثال، در اسپانیا، پس از گذشت ۵۰۰ سال از سقوط حکومت اندلس، جوانان اسپانیایی به شکل فزاینده ای به اسلام روی می آورند.(۱)

پنهان کردن چهره حقیقی اسلام و ترسیم تصویری نامعقول از آن و درنتیجه، استحاله اسلام، از راه کارهایی است که استعمارگران برای مقابله با گسترش روزافزون اسلام بدان متوسل شده‌اند.

زرسالاران با در اختیار داشتن بزرگ‌ترین مراکز خبرسازی و اطلاع‌رسانی جهان می‌کوشند تصویری سازگار با نظام‌های فکری و ارزشی غرب از اسلام ترسیم کنند. این سازگاری که در عمل به حذف بسیاری از مؤلفه ها و آموزه های بنیادین اسلام می انجامد، استحاله تدریجی اسلام را در پی خواهد داشت. استعمارگران با معرفی نادرست الگوها، بنیادها، تاریخ و دانش اسلامی، چهره حقیقی اسلام را مخدوش می سازند. زرسالاران با بهره گیری از نفوذی که بر رسانه های جهانی دارند، اسلام را دین خشونت و جنگ‌طلبی معرفی می کنند. پیوند نام اسلام و مسلمانان با واژه های تروریسم، غارت، تخریب، آدم کشی و

۱- برگرفته از: گذری بر اندیشه دینی در غرب، ص۱۵۹.

قانون‌شکنی، معرفی نادرست پیامبر اسلام به عنوان شاعری توانا یا جنگ‌جویی که عقاید خود را با زور شمشیر گسترش داد، بیان برخی احادیث اسلامی به عنوان نوشته های حقوق‌دانان قرون گوناگون و نسبت دادن بسیاری از خدمات علمی دانشمندان مسلمان به دانشمندان غربی، از جمله اقداماتی است که با هدف ترسیم تصویر منفی و دروغین از اسلام صورت می گیرد.(۱) از مصداق‌های خبرپردازی ها و تصویرسازی‌های بیان شده، تصاویر زشت و خشنی است که رسانه های گروهی و خبرگزاری‌های غربی وابسته به زرسالاران جهانی، از مبارزه‌های مردم مسلمان فلسطین، عراق، لبنان و دیگر کشورهای مسلمان به تصویر می کشند.

۸. تحریک مذاهب اسلامی علیه یکدیگر

۸. تحریک مذاهب اسلامی علیه یکدیگر

از روش‌های دیرین دشمنان اسلام برای گسترش سلطه خویش بر جامعه‌های اسلامی، ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بوده است. در استعمار فرانو نیز زرسالاران اقتدارطلب با تکیه افراطی بر تفاوت‌های شیعه و سنی و اختلاف‌های مذهبی آنان به عنوان دو شاخه اصلی پیروان دین اسلام، برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان می کوشند. استعمارگران برآنند تا مذهب را که عامل بیداری، پویایی و قدرت‌بخشی به مسلمانان است، به عامل تضعیف‌کننده مسلمانان تبدیل کنند.

مصداق ملموس برنامه استعمارگران، اقدام‌های تروریستی است که در مناطق شیعه‌نشین و سنی‌نشین کشور عراق صورت می گیرد. پس از فعالیت‌های خراب‌کارانه و تروریستی در مناطق شیعه‌نشین، ابزارهای تبلیغاتی وابسته به زرسالاران جهانی، بی‌درنگ، شاخه های سنی را محکوم

۱- نک: فروغی، مقاله «سمپوزیوم تصویر اسلام در کتب درسی غرب»، ماه نامه اسلام و غرب، ش ۳۰ و ۳۱، پایگاه اینترنتی www.hawzah.net.

می کننـد. همچنین رخدادهای تروریستی در مناطق سـنی‌نشـین نیز محکومیت گروه‌های شـیعه را از سوی زرسالاران جهانی به همراه دارد.

فصل چهارم: مقابله جوامع اسلامی با استعمار فرانو

اشاره

فصل چهارم: مقابله جوامع اسلامی با استعمار فرانو

زیر فصل ها

۱. ماهیت جوامع اسلامی در مقابله با استعمار فرانو

۱. ماهیت جوامع اسلامی در مقابله با استعمار فرانو

در فرهنگ اسلامی همان گونه که بر تفاهم، برادری، محبت، صمیمیت، دوستی و مسالمت میان مسلمانان تأکید می شود، به ستم‌ستیزی، سلطه‌ناپذیری، نفی کفر و الحاد نیز سفارش می‌شود. خداوند در قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره فتح می فرماید: «محمد، پیامبر الهی است و کسانی که با اویند، با کافران به شدت عمل می کنند و با خود مهربان و رحیم هستند.» حضرت علی(ع) نیز در خطبه ۲۷ نهج البلاغه با اشاره به راهبرد تهاجم به عنوان یک اصل پایدار در امور نظامی می فرماید: «به خدا سوگند، هیچ‌گاه به هیچ قومی در کنج خانه‌شان هجوم آورده نشد، مگر آنکه ذلیل و درمانده شدند».

این استراتژی در تمامی میدان‌های نبرد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و در مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی عمومیت دارد. امام علی(ع) در نامه ۶۲ نهج‌البلاغه درباره هوشیاری در برابر دشمنان نیز می فرماید: «مرد جنگ‌جو، همواره بیدار است و هرکس بخوابد، بداند دشمن او به خواب نرفته است».(۱)

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۸۵ .

بررسی مفاهیم اسلامی درباره تهاجم، دو جنبه دارد؛ یک سو، افراد یا گروه‌های مهاجم و دیگر سو، افراد و گروه‌هایی که دشمنان بر آنها هجوم آورده‌اند.

تاریخ نیز بیانگر این حقیقت است که هرگونه دگرگونی و تحول در فرهنگ ها، در پی دو علت پدید می آید: علت قابلی و علت فاعلی. هرگاه روح فرهنگی مستقل، در جامعه ای زنده باشد و مردم به ویژه اندیشمندان جامعه به حقیقت آن فرهنگ ایمان داشته باشند، هرگز فرهنگ دیگری نمی تواند به آن جامعه هجوم آورد و آن را نابود سازد. فرهنگ های زنده از تمامی فرهنگ ها بهره برده و آنها را در خود حل کرده‌اند. البته وقتی به هر دلیلی، روح حاکم بر فرهنگ ملی از میان برود و مردم جامعه، انس خود را با آن فرهنگ از دست بدهند، آن فرهنگ آسیب‌پذیر می شود و مردم فرهنگ مسلط دیگری را می پذیرند. این حالت انفعالی، علت قابلی است. در این صورت، فرهنگ بیگانه که با عنوان علت فاعلی از آن نام برده می شود، می تواند به سرعت در این فرهنگ فراگیر شود تا جایی که ماهیت آن را نیز تغییر دهد.(۱)

ازاین‌رو، جوامع اسلامی برای مقابله با برنامه های فرهنگی استعمار فرانو باید به هر دو جنبه توجه کنند؛ یعنی هم زمینه های پذیرش فرهنگ سرمایه‌داری زرسالاران اقتدارطلب در جوامع اسلامی از بین برود و هم با سیاست‌ها و برنامه های استعماری زرسالاران به عنوان علت فاعلی مبارزه شود.

۱- برگرفته از: پایگاه اینترنتی: irib.ir/occasions/article.

۲. برنامه های جوامع اسلامی

اشاره

۲. برنامه های جوامع اسلامی

زیر فصل ها

الف) تقویت اندیشه‌های اسلامی

ب) مبارزه با فساد و منکر

ج) تقویت هویت ملی اسلامی

د) شناخت غرب و زرسالاران اقتدارطلب و مبارزه با روحیه سرمایه‌داری

ه_) معرفی الگوهای اسلامی

و) تصویرسازی مثبت از اسلام

ز) وحدت مذاهب اسلامی

الف) تقویت اندیشه‌های اسلامی

الف) تقویت اندیشه‌های اسلامی

بنیادی‌ترین روش مقاومت فرهنگی در برابر تهاجم استعمارگران، گسترش شناخت معارف الهی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است؛ زیرا فرد خداشناس و خداباور، به خودآگاهی و خودباوری دست می یابد و چنین فردی هرگز فریفته، مرعوب و مقهور فرهنگ الحادی بیگانه نمی شود. در نتیجه، باید با استفاده از همه امکانات و روش‌های ممکن به صورت مستقیم و غیرمستقیم، زمینه تحقق چنین باورهایی را فراهم آورد.

هر فرد مسلمان در امور مذهبی خویش به سه مقوله دانش، بینش و گرایش نیاز دارد که ضعف و نارسایی در هر بخش، شخصیت مذهبی فرد را آسیب‌پذیر می سازد. بنابراین، برنامه های دینی باید تأمین‌کننده هر سه نیاز باشند تا تعالی‌بخش، سازنده و تکامل‌آفرین شوند. بر همین اساس، توجه به این امور ضروری است:

یک _ خاستگاه آموزه‌های آسمانی اسلام، فطرت انسانی است و این ویژگی، مهم‌ترین برتری فرهنگ اسلامی بر فرهنگ

الحادی غرب است. در نتیجه، برای تقویت اندیشه‌های اسلامی باید به شکوفاکردن فطرت کمال‌جویی و خداپرستی توجه کرد.

دو _ افزایش آگاهی‌ها و دانش‌ها به همراه معرفت و باورهای دینی به گونه‌ای باشد که افراد در برابر القاهای دشمنان مصون شوند. مصونیت، نیازمند «خودآگاهی» است و خودآگاهی، در پرتو تحقیق و مطالعه کتاب‌ها و تدبّر و تعمق در آرا و نظرها به وجود می آید.

سه ــ آشنا کردن افراد با تجلی دین و دین‌باوری در صحنه های گوناگون زندگی، در تقویت دین‌باوری افراد جامعه به ویژه نسل جوان بسیار سازنده و مؤثر است.

چهار ــ از آنجا که ممکن است برخی افراد به دلیل تبلیغات رسانه های گروهی، نسبت به مسائل دینی احساس بی‌نیازی کاذب کنند، ایجاد انگیزه درست برای مطالعه و تحقیق درباره مبانی اعتقادی و تبیین رسالت جهانی مسلمانان در شرایط کنونی، نقش مؤثری در نهادینه شدن عقاید مذهبی دارد. بر همین اساس، فراهم آوردن فضاهای مذهبی مناسب و برگزاری مراسم سازنده و نشاط‌انگیز عبادی، استفاده از کتاب‌ها و رسانه های مکتوب مذهبی، رعایت ضوابط اخلاقی و دینی در رفتار اجتماعی، تشکیل جلسه‌های مذهبی مناسب مانند جلسه‌های آموزش‌های دینی، مطالعه‌های سیاسی و اجتماعی، جلسه‌های دعا و نیایش با هدف‌های رفتاری مشخص و بلندمدت بسیار مؤثر است.

پنج ــ تمسک به ولایت اهل‌بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دیگر شیوه های مؤثر در تقویت عقاید اسلامی به منظور مقاومت فرهنگی در برابر تهاجم دشمنان است. اهل بیت(ع)، چراغ‌های هدایت و روشنگران شریعت و کشتی نجات امت اسلامی هستند که ایمنی در برابر تهاجم دشمنان و آرامش در تلاطم اقیانوس بی‌کران زندگی، جز با شناخت معارف و آموزه‌های آنان و تمسک به ولایت و محبت ایشان امکان‌پذیر نیست. حضرت امام سجاد(ع) در دعای شعبانیه می فرماید:

خدایا! بر پیامبر و خاندان او درود فرست. آنان همانند کشتی جاری در اقیانوس های بی‌کران هستند. هرکس سوار بر آن کشتی شود، ایمن و هر کس آن را ترک

کنـد، غرق می شود. پیش‌گیرنـده بر ایشـان، از دین بیرون رفته است. عقب‌مانـده از آنـان، نـابود خواهـد شـد و همراه و ملازم ایشان به مقصد خواهد رسید.

بنـابراین، گزینش و اسـتفاده از احـادیث و ادعیه منـاسب در برنـامه ها، برگزاری جشن‌های شادی‌بخش و آموزنـده به مناسـبت اعیاد و در مجموع، انتقال پیام و آموزه‌های ائمه اطهار(علیهم‌السلام) به افراد جامعه بسیار مفید است.(۱)

ب) مبارزه با فساد و منکر

اشاره

ب) مبارزه با فساد و منکر

استعمارگران بـا آگـاهی از اینکه فسـاد و منکر به جـامعه‌هـا آسیب می‌زننـد و حتی آنهـا را نـابود می کنـد، گسترش فسـاد در جـامعه‌هـای اسـلامی را در رأس برنـامه هـای اسـتعماری خویش قرار داده‌انـد. ازاین‌رو، برای مبارزه با سیاست‌های اسـتعماری زرسالاران اقتدارطلب، روش‌های زیر پیشنهاد می شود:

یک _ پناه بردن به قرآن

قرآن، به عنوان پیـام نبوت و سـند رسـالت، دربردارنـده آموزه‌هـای الهی برای تمامی انسان‌ها در تمامی زمان‌ها و مکان‌هاست. انس و دوستی با آخرین کتاب آسمانی، با ایجاد زمینه شناخت و تقویت باور اصالت‌های فرهنگی و دینی، موجب دوری انسان از منکر و فساد می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

هنگامی که فتنه ها همانند پاره های شب سیاه به شـما هجوم می آورند، به قرآن پناه آورید؛ زیرا قرآن، نجات‌بخشی است که شفاعتش پذیرفته می شود... . قرآن، راهنمایی است که به بهترین راه دلالت می کند. (۲)

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص۹۳-۹۸ .

۲- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۹۶.

بنابراین، بایسته است انسان‌ها با این معجزه اسلام، آشنایی عمیق و دقیقی پیدا کنند و با آن محشور شوند. تشکیل جلسه‌های روان‌خوانی، روخوانی، حفظ، قرائت و تفسیر قرآن کریم، در این زمینه بسیار مؤثر است.

دو ـ اهمیت دادن به نماز

پرداختن و توجه کردن به امر نماز در جامعه، از دیگر راه‌های مقابله با گسترش فساد و منکر است. نماز، پذیرش مطلق حاکمیت الهی و نفی همه معبودهای غیرحقیقی و الحادی است و نمازگزار کسی است که با مصونیت از کج‌اندیشی ها، سست‌باوری ها، بدرفتاری‌ها و زشت‌کرداری‌ها، دچار ضعف و زبونی، سلطه‌پذیری و سلطه‌گری نخواهد شد. بنابراین، به فرموده خدا در قرآن مجید، برای مقاومت در برابر هجوم تخریبی دشمنان باید به نماز تمسک جست و به اقامه نماز برخاست: «به درستی که نماز، بازدارنده از فحشا و منکر است». (عنکبوت: ۴۵) (۱)

سه ـ توجه به امر به معروف و نهی از منکر

از روش‌های موفق و مورد تأکید اسلام در برخورد با فساد و منکر به‌ویژه در جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی، گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر است. در صورتی که افراد جامعه با این رسالت الهی خویش آشنا شوند و زمینه تحقق و اجرای مطلوب و سازنده آن را فراهم آورند، به خودکنترلی و جمع‌کنترلی و در نتیجه، به خوداصلاحی خواهند رسید و موجب آسیب‌ناپذیری و حفظ امنیت خواهند شد. برای بهره‌برداری مطلوب از این روش فرهنگی، رعایت چند نکته ضروری است:

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، ص ۱۰۰.

نخست آنکه معروف و منکر تعریف شوند و مصداق‌های هر یک در جامعه معرفی شود. دوم اینکه مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر و شرایط اجرای مطلوب آن معرفی شود. سوم آنکه آمران به معروف و ناهیان از منکر توجه داشته باشند که رفتار و اخلاق آنان، بیش از بیان و کلامشان کارساز و مؤثر است. ازاین‌رو، این امر فرهنگی را با اصلاح و تهذیب خود شروع کنند تا بیان ایشان مؤثرتر و کارسازتر باشد.(۱)

چهار ـ کارآفرینی

از عوامل مهم در سلامت افراد و جامعه، کار سازنده و مفید است. کار سازنده و ایجاد زمینه برای شکوفایی استعداد ها، از بی‌کاری، فقر و ناتوانی و ازدیاد فساد، فحشا و منکر جلوگیری می کند. بر همین اساس، کار به عنوان عاملی سازنده و بسیار مهم در تربیت اسلامی و مبارزه با فساد، تنبلی و سستی و گسترش آن در جامعه به شمار می‌رود. همچنین برنامه‌ریزی، هدایت و بهره‌وری بهینه از اوقات فراغت افراد جامعه به‌ویژه نسل جوان نیز در این امر بسیار مؤثر است. از آنجا که یکی از روش‌های دشمنان در تهاجم فرهنگی، جلوگیری از کار مفید و سازنده در جامعه و استفاده نادرست از اوقات فراغت مردم است، تبلیغ و ترویج کار به عنوان ارزش و جلوه دادن بی‌کاری به عنوان ضدارزش در تعمیم فرهنگ کار مؤثر است. ایجاد اشتغال ذهنی سازنده برای تمام مراحل سنی می تواند زمینه تخیل‌گرایی منفی را کاهش دهد.

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص۱۰۲-۱۰۵.

به طور کلی، تقویت اعتقاد به ساختن کشوری آباد و کوشش برای سربلندی آن در صحنه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با نفی هرگونه ضعف و ناتوانی، روحیه دفاع از فرهنگ خودی را تقویت خواهد کرد.(۱)

پنج _ ازدواج

از نیرومندترین غرایز انسانی، نیروی جنسی است. ارضای شرعی و معقول این غریزه موجب آرامش خاطر، رشد عاطفی، تأمین سلامت روانی و نیز تداوم زندگی بشری می شود. حال اگر امکان ارضای درست و آگاهانه این غریزه فراهم نیاید، فساد و انحراف‌های حاصل از آن، سلامت روانی و جسمی فرد و جامعه را به خطر می‌اندازد و نتایج ناگواری در پی خواهد داشت.

دشمنان با شناخت دقیق شرایط و ویژگی های سنی، عاطفی و روانی نسل جوان و نیز شناخت شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی، می‌کوشند از این نیاز طبیعی انسان، برای تحقق اهداف خویش بیشتر بهره گیرند. آنان با بهره‌گیری از امکاناتی مانند ماهواره، فیلم‌های ویدیویی و سینمایی، کتاب‌های قصه و رمان، مجله ها، عکس های مبتذل، امکانات کامپیوتری، تبلیغات تجاری و حتی مواد غذایی هیجان‌زا، غرایز جنسی، هویت فرهنگی و تعادل شخصیتی افراد را مسخ می کنند و زمینه را برای سلطه فرهنگی خویش فراهم می سازند.

این جنبه از جنبه‌های هجوم بیگانگان، در سال‌های اخیر چنان گسترده و عمیق شده است که بسیاری از مردم، تهاجم فرهنگی را با بی‌بندوباری جنسی مترادف می دانند. برای پیش گیری از پی‌آمدهای زیان‌بار ارضای

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص ۱۰۵-۱۰۸.

ناصحیح این نیاز طبیعی، پاک‌سازی و پالایش محیط یا کنترل آگاهانه و معقول احساسات تا زمان مناسب برای ازدواج و پس از آن، توجه به امر ازدواج بسیار اهمیت دارد. گسترش فرهنگ ازدواج در جامعه و تمهید مقدمات برای تسهیل آن و تشویق جوانان و خانواده های آنان به انجام این امر، از مؤثرترین شیوه های مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان و جلوگیری از فساد و منکر در جامعه است.(۱)

ج) تقویت هویت ملی اسلامی

ج) تقویت هویت ملی اسلامی

دشمنان اسلام و امت اسلامی با توجه به اینکه هویت ملی، بزرگ‌ترین عنصری است که یک ملت را به اوج عظمت و قدرت یا به تباهی و سقوط می رساند، همواره می‌کوشند با فراهم ساختن زمینه‌های گسستگی پیوندهای اجتماعی، هویت ملی اسلامی جوامع مسلمان را تضعیف کنند و بر آنها سلطه یابند.

در مقابل، جامعه‌های اسلامی با تقویت هویت ملی اسلامی خود نه تنها می توانند مانع تسلط استعمارگران شوند، بلکه قدرت و عظمت گذشته جوامع اسلامی را بار دیگر تحقق خواهند بخشید. درک هویت فرهنگی، مقدمه ای است که جوامع اسلامی باید نخست به آن بپردازند. شناخت فرهنگ اسلامی و معرفت به ویژگی‌ها، ارزش‌ها و برتری‌های آن فرهنگ نسبت به دیگر فرهنگ‌ها سبب می شود جوامع اسلامی در مقابله با فرهنگ‌های بیگانه، اعتماد به نفس بالایی پیدا کنند. تحلیل تاریخی فرهنگ خودی همراه با تأکید بر تاریخ و فرهنگ ملی اسلامی، تقویت روشن فکران و نخبگان خودی، گسترش خط و زبان ملی و زبان عربی به عنوان زبان

۱- برگرفته از: فرهنگ و مقاومت فرهنگی، صص ۱۰۸-۱۱۰.

مـذهبی مشترک جامعه‌های اسـلامی، مبارزه با جریان‌های انحرافی، تفرقه های قومی و در نتیجه، ایجاد وحـدت و یک‌پارچگی ملی اسلامی از جمله اقداماتی است که سبب تقویت هویت ملی اسلامی جامعه‌های مسلمان می شود.

د) شناخت غرب و زرسالاران اقتدارطلب و مبارزه با روحیه سرمایه‌داری

د) شناخت غرب و زرسالاران اقتدارطلب و مبارزه با روحیه سرمایه‌داری

برای مقـابله بـا هر پدیـده ای، نخسـت بایـد شـناخت دقیقی از آن داشـت تـا بتـوان سازوکارهـای لازم را فراهم کرد. ازاین‌رو، شناخت چگونگی عملکرد و نیز اهـداف حقیقی زرسالاران اقتدارطلب بسـیار ضـروری است. شـناخت درست و عمیق فرهنگ غرب و نظام سـرمایه‌داری، ظاهر فریبنده آن را آشـکار می‌سازد و تزلزل، روزمرگی و تهی شدن درونی آن، بر همگان آشکار می‌شود.(۱)

تأکیـد بر رفاه اجتماعی به عنوان هـدف نهایی نظام سـرمایه‌داری، نتایـج سه‌گانه‌ای چون اولویت یافتن اهـداف اقتصادی، رشـد اقتصـادی بـدون تـوجه بـه چگـونگی زنـدگی و بی‌تـوجهی به عـدالت تـوزیعی را در پی خواهـد داشت. غلبه چنین تفکری در زنـدگی، انسان‌هایی با روحیه های ناآرام، زیاده‌خواه، بلنـدپرواز و دنیاگرا تربیت می کند که دست یابی به بالاترین درجه رفاه فردی و اجتمـاعی، همراه بـا نفی معنـویت را هـدف عـالی زنـدگی خـویش قرار می دهنـد. نیـاز هـویت‌جویی از اصـلی‌ترین و مهم‌ترین نیازهای انسانی است و به انسان، انگیزه زیسـتن می بخشـد و فلسـفه ارضاکننـده ای برای زنـدگی وی تبیین می کنـد. چنین نظامی نه تنها نمی‌تواند به این نیاز

۱- برگرفته از: پایگاه اینترنتی javan www. Irib.ir / radio ./

پاسخ گوید، بلکه روز به روز احساس پوچی را در وجود انسان‌ها تقویت می کند.

شناساندن ماهیت فرهنگ سرمایه‌داری زرسالاران اقتدارطلب و بیان دلایل ناسازگاری آموزه های دین اسلام با چنین روحیه مادی‌گرایانه ای، موجب بی‌توجهی امت اسلامی به ظاهر فریبنده فرهنگ سرمایه‌داری و در نتیجه، مبارزه با زمینه‌سازی برای سلطه استعمارگران بر جامعه‌های اسلامی می شود. در کنار شناخت عمیق و مستدل فرهنگ غرب، مبارزه با روحیه سرمایه‌داری و جلوه های منفی آن همچون تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، گران‌فروشی، رشوه‌خواری، ریا و چاپلوسی، از دیگر اقدامات اساسی است که باید در جامعه‌های اسلامی به آن توجه شود.

ه_) معرفی الگوهای اسلامی

ه_) معرفی الگوهای اسلامی

تخریب و طرد الگوهای اسلامی همراه با معرفی الگوهای ضداسلامی که هیچ نشانی از هویت اسلامی یا ملی در آنها وجود ندارد، از جمله شیوه‌هایی است که نظام‌های سرمایه‌داری برای اعمال سیاست‌های استعماری خود از آن بهره می گیرند. در کنار این کوشش‌ها، برتری علمی جوامع سرمایه‌داری غربی بر جامعه‌های اسلامی سبب شده است برخی جامعه‌های اسلامی، پیشرفت خود را به تقلید از الگوهای سرمایه‌داری وابسته بدانند. برای پاسخ‌گویی به این نیازها و حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ملی و اسلامی، معرفی الگوهای اسلامی در همه حوزه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و سیاسی به ویژه برای نوجوانان و زنان ضروری است.

معرفی سیره و شخصیت رهبران برجسته دین اسلام، از جمله مسائل مهمی است که باید به آن پرداخت. بررسی جنبه‌های گوناگون شخصیت پیامبر اسلام و شناخت شیوه های رفتاری آن حضرت در زمینه های گوناگون

از جمله فعالیت‌های اقتصادی، مبانی دیپلماسی و سیاست خارجی، اهمیت دادن به فراگیری دانش، شیوه رفتاری با زنان و اقلیت‌های دینی، تعلیم و تربیت و روش‌های نفوذ بر دل و جان افراد، در الگوسازی برای اقشار گوناگون جامعه اسلامی بسیار اهمیت دارد.

مقام معظم رهبری در بخشی از پیام نوروزی سال ۱۳۸۵ خود در این باره فرمود:

امروز امت اسلام و ملت ما بیش از همیشه به پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله خود نیازمند است؛ به هدایت او؛ به بشارت و انذار او؛ به پیام و معنویت او و به رحمتی که او به انسان‌ها درس داد و تعلیم داد. امروز درس پیغمبر اسلام برای امتش و برای همه بشریت، درس عالم شدن، قوی شدن، درس اخلاق و کرامت، درس رحمت، درس جهاد و عزت و درس مقاومت است ... . ملت ما درس‌های پیغمبر را باید مرور کند و آنها را به درس‌های زندگی و برنامه های جاری خود تبدیل کند. ما درس اخلاق پیغمبر، درس عزت پیامبراعظم صلی الله علیه و آله، درس علم‌آموزی و درس رحمت و کرامت و درس وحدتی را که ایشان به ما داد و درس های زندگی ماست، باید در برنامه زندگی خودمان قرار بدهیم.(۱)

همچنین بررسی زندگی و شخصیت بانوان بزرگ اسلام و معرفی آنان به عنوان الگوی زنان مسلمان جوامع اسلامی، از دیگر اموری است که باید به آن پرداخت. معرفی الگو درباره چگونگی پوشش، حضور و نقش‌آفرینی زنان در جامعه با توجه به ارزش‌های الهی، باورها و ویژگی‌های ملی هر کشور، از ظریف‌ترین و حساس‌ترین موضوع‌های اجتماعی فرهنگی است و اهمیت ویژه ای دارد. معرفی چنین الگوهایی، گامی به سوی تثبیت و تقویت هویت ملی اسلامی جامعه‌های اسلامی است.

۱- برگرفته از: پایگاه اینترنتی www.leader.ir / langs.

و) تصویرسازی مثبت از اسلام

و) تصویرسازی مثبت از اسلام

یکی از شیوه‌هایی که زرسالاران استعمارگر برای تحقق اهداف استعماری خود به کار می‌برند، مخدوش کردن چهره اسلام و ترسیم تصویری منفی از آن است. این اقدام نه تنها زمینه گرایش مسلمانان را به سیاست‌های استعمارگران فراهم می سازد، بلکه در مهار موج اسلام‌گرایی حقیقی که از اسلام ناب سرچشمه گرفته، مؤثر است. زرسالاران اقتدارطلب برای رسیدن به این هدف خویش، از سیاست کلان «شبیه‌سازی» بهره می گیرند. از جمله برنامه های این سیاست شبیه‌سازی، ایجاد چهره‌هایی مانند بن لادن و ملا عمر به عنوان شخصیت های محبوب جهان اسلام و مطرح ساختن آنها به عنوان نماد اسلام است. استعمارگران، مسلمانان را به عنوان بنیادگرایان یا تروریست های بالقوه، انسان‌هایی واپس گرا، افراطی و جنگ‌طلب معرفی می کنند که خطر و تهدیدی جدی برای همه جوامع به شمار می‌روند. در مقابل، جوامع اسلامی باید برای مقابله با این تصویرسازی منفی از اسلام، با به تصویر کشیدن ارزش‌های اسلامی در رفتار و طرح احکام اسلامی و تبلیغ آنها با کمک تلویزیون، رادیو، فیلم های سینمایی، مجله‌ها، روزنامه ها و کتاب‌ها به ویژه کتاب‌های داستانی، اطلاعات درست و دقیقی درباره اسلام بدهند و مرز مخدوش شده میان حق و باطل را اصلاح کنند. توجه به این مطلب که غیرمسلمانان با دیدن رفتار مسلمانان، حقایق اسلامی را می شناسند، بسیار اهمیت دارد.

ز) وحدت مذاهب اسلامی

ز) وحدت مذاهب اسلامی

ایجاد تفرقه و اختلاف در میان امت اسلامی، از ترفندهای دشمنان اسلام برای تضعیف مسلمانان و سلطه بر آنان است. زرسالاران اقتدارطلب در سراسر جهان با صرف میلیاردها دلار و با کمک ابزارهای تبلیغاتی خود، تمام توانشان را برای شایعه پراکنی، دروغ‌پردازی و تفرقه‌افکنی میان

مسلمانان به کار می گیرند. خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن و افزایش وحدت و انسجام امت اسلامی با تکیه بر امور مشترک میان مذاهب گوناگون اسلامی، از راهکارهایی است که مسلمانان باید برای مقابله با استعمارگران از آن بهره جویند.

۳. مقابله نظام جمهوری اسلامی ایران با استعمار فرانو

اشاره

۳. مقابله نظام جمهوری اسلامی ایران با استعمار فرانو

زیر فصل ها

الف) پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران

الف) پیشینه تهاجم فرهنگی غرب در ایران

تاریخ ایران از گذشته تاکنون، شاهد دگرگونی های فرهنگی بنیادینی بوده است. در زمان حمله اسکندر مقدونی به ایران، فرهنگ ایرانی در حال رکود بود و اندیشمندان ایرانی با حقیقت آن بیگانه بودند. بنابراین، اسکندر توانست پس از پیروزی نظامی بر نیروهای ایرانی، فرهنگ و تمدن آن را به شدت دگرگون کند، چنان‌که ایران پس از حکومت ساسانی نتوانست خود را از سلطه آموزه های فرهنگ یونانی حاکم شده به وسیله اسکندر و جانشینان وی برهاند. جامعه ایرانی تا پیش از صفویه با وجود ارتباط با فرهنگ ها و تمدن های گوناگون به ویژه چین که در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته بود، هرگز نسبت به این فرهنگ‌ها خودباختگی نشان نداد و فرهنگ و تمدن مستقل اسلامی خود را نگاه داشت و آثاری پدید آورد که امروزه نیز جزو شاهکارهای بزرگ تاریخ بشر به شمار می آید.

ایران در عصر اسلامی، پس از پشت سر گذاشتن تجربه بسیار پربار و نشان دادن جلوه های برتری از تمدن اسلامی، در زمان صفویه، کم‌کم زمینه پذیرنده ای برای نفوذپذیری یافت. از آن زمان، گروهی از جمله میسیونرهای مذهبی غرب، راهی ایران شدند و توانستند بنیاد اندیشه غربی را نخست در میان درباریان و سپس در مجامع علمی و فرهنگی همگانی

سازند، به گونه‌ای که زمینه فعالیت آنها به توده جامعه ایرانی نیز کشیده شد.

برژنسکی در کتاب میسیونرهای کلیسای انجیلی در رابطه امریکا با ایران دوره پهلوی می نویسد:

۴۹ سال پیش از آنکه نخستین دیپلمات امریکایی، استوارنامه خود را در تهران تسلیم کند، میسیونرهای کلیسای انجیلی وارد ایران شدند. آنها پیش از جنگ دوم جهانی، زنجیره ای از مدرسه ها و بیمارستان‌ها را در ایران اداره می کردند. این مدرسه ها برای نخستین بار آموزش به سبک غربی را در ایران رایج کردند. میسیونرها می کوشیدند مردم ایران را به نسخه های محلی و پروتستان‌های مدرن امریکایی تبدیل کنند.(۱)

میسیونرها برای آموزش ادبیات غربی، ریاضیات، علوم و انجیل، مدرسه‌هایی تأسیس کردند. آنان از قدرت و ارتباطات قوی با حکومت برخوردار بودند و می خواستند ایران را تغییر دهند و به صراحت می گفتند مدرسه های ما طعمه‌هایی است که با]کمک[آنها مسلمانان را شکار می کنیم.(۲)

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی، حاکمیت فکر دینی و فرهنگ اسلامی به مانع بزرگی بر سر راه نفوذ غرب در ایران تبدیل شد و هیچ‌گونه نفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی غرب را تحمل نمی کرد. مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های استعماری زرسالاران جهانی در طول سه دهه، نه تنها استعمارگران را از منافعشان در ایران محروم کرد، بلکه سبب شد تا برخی کشورهای زیر سلطه استعمار نیز از این نگرش مخالفت‌جویانه انقلاب ایران الگو بگیرند. بر همین

۱- برگرفته از: پایگاه اینترنتی: www.irib.ir / occasions/ article.

۲- برگرفته از: پایگاه اینترنتی: www.irib.ir / occasions/ article.

اساس، استعمارگران، جریان گسترده و سازمان‌یافته ای را علیه نظام جمهوری اسلامی و فرهنگ ملی و اسلامی آن در خارج و داخل کشور آغاز کردند. اعمال انواع فشارها و تحریم‌های بین‌المللی سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، حقوقی و تکنولوژیکی، اتهام زدن ضدیت با اصول اساسی حقوق بشر مانند آزادی و دموکراسی، القای نداشتن مقبولیت و محبوبیت بین‌المللی و به تبع آن، ایجاد و پرورش احساس حقارت و خودکم‌بینی در جوامع اسلامی نسبت به جوامع سرمایه‌داری غرب، از اقداماتی است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران همواره از آن بهره می‌جویند.

برخی فعالیت‌های فرهنگی استعمارگران در داخل کشور عبارتند از:

۱. شکستن مؤلفه های دینی جامعه سنتی ایرانی و نفی ارزش‌های حاکم بر آن؛

۲. گسستن رابطه نسل جدید جامعه ایران با تاریخ فرهنگ پربار کشور؛

۳. سرگرم کردن مردم به مسائل بی‌ارزش و بازداشتن آنان از اندیشیدن؛

۴. گسترش فرهنگ دنیاگرایی و زندگی مصرفی؛

۵. تفرقه‌افکنی میان مردم؛

۶. القای احساس ناامنی اقتصادی؛

۷. القای احساس ناامیدی میان جوانان جامعه؛

۸. گسترش فساد و فحشا به وسیله محرک‌های عاطفی؛

۹. تلاش برای پایین نگاه داشتن سطح سواد جامعه؛

۱۰. بزرگ‌نمایی مشکلات و معضل‌های جامعه؛

۱۱. القای تفکر ضعف و ناهماهنگی نهادهای اجتماعی؛

۱۲. ایجاد بدبینی به معارف اسلامی؛

۱۳. تبلیغ جدایی دین از سیاست؛

۱۴. حذف مذهب و شخصیت‌های مذهبی از محیط‌های علمی؛

۱۵. گسستن پیوند مردم با رهبری؛

۱۶. تضعیف نهاد دولت؛

۱۷. القای تفکر ناکارآمدی دولت.(۱)

ب) راه کارهای جمهوری اسلامی در مقابله با استعمار فرهنگی

ب) راه کارهای جمهوری اسلامی در مقابله با استعمار فرهنگی

مقابله جمهوری اسلامی ایران با موضوع استعمار فرهنگی، نیازمند مقدمه ای است و آن، باور این هجوم است. سال‌ها پیش مقام معظم رهبری عنوان «تهاجم فرهنگی» را بیان کرد، ولی چندین سال طول کشید تا سیاست‌مداران و مردم ما چنین توطئه‌ای را باور کنند. باور این امر اهمیت بسیاری دارد و هم اکنون این باور در بدنه فرهنگی و دانشگاهی ما تا حدی شکل گرفته است. نخستین قدم پس از ایجاد باور، برنامه‌ریزی است. مقابله با این تهاجم، باید با برنامه‌ریزی همراه باشد. برخوردهای انفعالی نه تنها نتیجه مثبتی نخواهد داشت، بلکه در درازمدت، آثار منفی در پی خواهد داشت. ازاین‌رو، نخست باید با مبانی نظری مقابله، تعریف و ترسیم شود و پس از آن، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان، برنامه‌ریزی خرد و اجرا مطرح گردد. مقام معظم رهبری در دیدار خود با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، در هشتم دی ۱۳۸۳ درباره راه کارهای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، نخستین گام را «مهندسی فرهنگی کشور» یا به عبارتی برنامه‌ریزی دقیق عنوان کرد. ایشان فرمود:

یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم

۱- نک: فرهنگ و مقاومت فرهنگی.

درون‌زا و کیفیت‌بخش که اسمش «فرهنگ» است و در درون انسان‌ها و جامعه به وجود می آید، چگونه باید باشد؛ اشکالات و نواقصش چیست؛ چگونه باید رفع شود و کندی ها و معارضاتش کجاست. مجموعه ای لازم است که اینها را تصویر کند و بعد، مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد.(۱)

موثرترین راه‌های مقابله با استعمار فرهنگی دشمن (تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی) که باید در برنامه‌ریزی به آن توجه شود، عبارت است از:

۱. تقویت عقاید اسلامی و افزایش بینش و آگاهی مردم درباره مسائل دینی، با طرح اندیشه های نورانی قرآن و شناخت بیشتر امامان معصوم(ع)؛

۲. آشنا ساختن مردم با فرهنگ غنی اسلامی و میراث مفاخر فرهنگی اسلامی ایران و تقویت خودباوری؛

۳. معرفی مظاهر تمدن و فرهنگ اسلامی ؛

۴. ایجاد و تقویت روحیه مقاومت فرهنگی، مبارزه‌طلبی و استقامت با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ؛

۵. تنظیم زیرساخت نظام آموزشی و تربیتی کشور از مهد کودک تا عالی‌ترین سطوح دانشگاهی بر اساس اصول آموزشی و تربیتی اسلامی ؛

۶. فراهم ساختن زمینه وحدت هر چه بیشتر حوزه و دانشگاه برای ایجاد جریان واحد فرهنگی در برابر نفوذ دشمن؛

۷. بسیج فرهنگی و هم سویی تمام نهادهای فرهنگی کشور برای مبارزه با تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی؛

۸. بیان اصول فکری و عقیدتی اسلام در قالب آثار هنری و ادبی؛

۱- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸/۱۰/۱۳۸۳ پایگاه اینترنتی: www.iranculture.org .

۹. مبارزه با انواع مفاسد اجتماعی از راه:

الف) فراهم ساختن زمینه رشد استعدادها و ظرفیت های جوانان و پرورش آنها؛

ب) حمایت از نیروهای خلاق و متعهد در زمینه های فرهنگی و هنری؛

ج) گسترش کانون‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی؛

د) برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه نوجوانان و جوانان از اوقات فراغت.

۱۰. توجه به نقش خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع تحقق برنامه های تهاجم فرهنگی دشمن و مبارزه با گسیختگی بنای خانواده و تأکید بر عوامل استحکام آن همچون:

الف) آشنا کردن افراد جامعه با اهداف اسلامی ازدواج؛

ب) آشنا کردن افراد جامعه با روش‌های درست تربیتی؛

ج) افزایش سطح سواد والدین؛

د) آشنایی زنان و مردان با حقوق و تکالیف خود در زندگی مشترک؛

ه) تقویت مراکز مشاوره ازدواج؛

و) آگاه کردن افراد جامعه با برنامه‌های تهاجم فرهنگی تضعیف خانواده.

۱۱. اصلاح الگوهای مصرف کالا به ویژه کالاهای غیرضروری وارداتی؛

۱۲. آموزش فرهنگ درست استفاده از وسایل پیشرفته ارتباطات مانند کامپیوتر، اینترنت، ویدیو و ماهواره.(۱)

۱- نک: _ مقاله «سردار اصلانی، نقش هنر و ادبیات در دفع تهاجم فرهنگی»، مجموعه مقالات تهاجم فرهنگی _ رسالت دانشگاه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵. _ ابراهیم انصاری، مقاله «ابعاد اقتصادی اجتماعی تهاجم فرهنگی»، مجموعه مقالات تهاجم فرهنگی _ رسالت دانشگاه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵. _ مهرانگیز پیوسته‌گر، مقاله «تهاجم فرهنگی و رسانه‌های گروهی»، مجموعه مقالات تهاجم فرهنگی _ رسالت دانشگاه، ۱۳۷۵. _ مریم حیدری، مقاله «تهاجم فرهنگی ابزار و شیوه‌های مقابله با آن»،مجموعه مقالات تهاجم فرهنگی _ رسالت دانشگاه، ۱۳۷۵.

فصل پنجم: همراه با برنامه‌سازان

اشاره

فصل پنجم: همراه با برنامه‌سازان

زیر فصل ها

جایگاه صدا و سیما در مبارزه با استعمار فرانو

الزامات رسانه صدا و سیما

محورهای مهم برنامه‌سازی

پرسش‌های مردمی

پرسش‌های کارشناسی

جایگاه صدا و سیما در مبارزه با استعمار فرانو

جایگاه صدا و سیما در مبارزه با استعمار فرانو

همان‌گونه که بیان شد، در بیان جنبه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استعمار فرانو، استعمار فرهنگی، اهمیت و برجستگی ویژه‌ای دارد. به عبارت دیگر، می توان گفت استعمار فرانو، استمرار امپریالیسم فرهنگی است و در این امپریالیسم، رسانه ها به عنوان مهم‌ترین ابزار فرهنگی، جایگاه ویژه ای دارند.

امروزه فضای حاکم بر نظام بین‌الملل به گونه ای است که پیش، هنگام و پس از هر حرکت و اقدام نظامی، اقتصادی و سیاسی، به خبرسازی، مفهوم‌سازی و تبلیغ‌های درست و نادرست پرداخته می شود. بخش گسترده‌ای از تهاجم زرسالاران اقتدارطلب و در مقابل، دفاع و تهاجم جمعیت های مورد تهاجم استعمار فرانو، در حوزه رسانه ها انجام می شود. بر همین اساس، زرسالاران اقتدارطلب با آگاهی از اینکه پیشرفت و تحقق سیاست‌ها و برنامه های استعماری‌شان با تهاجم‌های رسانه ای امکان‌پذیر است، به سرمایه‌گذاری و تقویت رسانه های وابسته می پردازند. اگرچه تمامی انسان‌ها و جوامع بشری به عنوان اهداف استعمارگران در معرض تهاجم قرار دارند، ولی در این میان، نظام جمهوری اسلامی ایران با درک

اهداف و مقاصد حقیقی پنهان شده در پشت تبلیغات فریبنده، به مقاومت در برابر استعمارگران برخاسته است. جمهوری اسلامی ایران با اعتقاد به اینکه مقاومت، تنها به دفاع از منافع خویش محدود نیست، از تمام سرزمین‌های اسلامی و منافع امت اسلامی با تمام توان دفاع می کند و همین امر سبب شده است تا آماج تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی استعمارگران قرار گیرد.

به یقین، مهم‌ترین نهاد پاسخ‌گو به این تهاجم رسانه ای، رسانه ملی صدا و سیماست. رسانه صدا و سیما در این باره دو وظیفه سنگین برعهده دارد. نخست اینکه این تهاجم‌ها را در داخل کشور خنثی کند و دوم آنکه بکوشد متقابلاً در فضای عمومی، به دشمن ضربه بزند. ادای این وظایف چنان اهمیت دارد که رهبر انقلاب اسلامی، فعالیت رسانه صدا و سیما را برای مبارزه با استعمار فرانو، برابر با همه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی می‌داند که در دیگر نهادهای کشور به این منظور صورت می گیرد.(۱)

الزامات رسانه صدا و سیما

الزامات رسانه صدا و سیما

صدا و سیما به عنوان مهم‌ترین ابزار فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، برای مبارزه با جریان استعمار فرانو نیازمند الزاماتی است. این الزامات عبارتند از:

۱. امین نظام باشد.

۲. مورد اعتماد مردم باشد.

۳. از فرصت‌های رقابتی برخوردار باشد. به این معنا که محصولات آن از نظر کمی و کیفی، قدرت رقابت با دیگر کشورها را داشته باشند.

۱- برگرفته از: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری.

۴. از آرایش رسانه ای کارآمد در عرصه استانی، ملی و بین‌المللی برخوردار باشد. آرایش سازمانی و رسانه ای صدا و سیما باید به گونه ای باشد که بتواند همه کشور را در همه جنبه‌ها پوشش دهد.

۵. قدرت انعطاف‌پذیری برای انطباق با شرایط گوناگون و پیش‌بینی‌نشده را داشته باشد.

۶. در برخورد با مسائل گوناگون، قدرت، توانایی، سرعت و چالاکی داشته باشد، به‌گونه ای که بتواند در برخورد با مسائل گوناگون، به سرعت، راه کار درستی را برگزیند.(۱)

محورهای مهم برنامه‌سازی

اشاره

محورهای مهم برنامه‌سازی

زیر فصل ها

۱. پرورش، گسترش و تفهیم و تبیین فضیلت‌های اخلاقی

۲. ارتقای معرفت و ایمان دینی

۳. برنامه‌ریزی برای مراسم دینی

۴. توجه به دانش

۵. برنامه‌ریزی برای سرگرمی و تفریح

۶. توجه به نقش و جایگاه زنان

۱. پرورش، گسترش و تفهیم و تبیین فضیلت‌های اخلاقی

۱. پرورش، گسترش و تفهیم و تبیین فضیلت‌های اخلاقی

از محورهای مهمی که برنامه‌سازان صدا و سیما باید در تهیه برنامه ها به آن توجه داشته باشند، پرورش اخلاق عمومی جامعه است. هویت حقیقی و سازه اصلی یک جامعه، شاکله اخلاقی آن جامعه است که همه چیز بر محور آن شکل می گیرد. بر همین اساس، تقویت مبانی و اصول اخلاقی جامعه اهمیت فراوانی دارد. توجه به اصول اخلاق اجتماعی چون انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، مشورت، حقوق دیگران، کرامت انسان، احساس مسئولیت، اعتماد

به نفس ملی و شجاعت ملی، در برنامه های صدا و سیما در شکل‌دهی به اخلاق رفتاری افراد جامعه بسیار اهمیت دارد. همچنین ترویج فضایل اخلاق فردی چون قناعت، امانت، درست‌کاری، حق‌طلبی، زیباطلبی، احترام و ادب به والدین و آموزگار، عفت و خویشتن‌داری در معنای صحیح آن، از جمله مسائلی است که باید برنامه‌سازان رسانه ملی صدا و سیما به آن توجه کنند. تفهیم مسائل اخلاقی با

۱- برگرفته از: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری.

استفاده از نمادها و الگوهای ملموس برای مخاطب، از راه کارهای مؤثر در گسترش فضیلت‌های اخلاقی است.

از سوی دیگر، رد منهیات اخلاقی زیر در تبیین فضیلت‌های اخلاقی در برنامه های صدا و سیما بسیار اهمیت دارد:

۱. خودداری از قدرشناسی اجتماعی به بهانه پاداش اجتماعی و توقع داشتن ایثار؛

۲. ریاکاری، نفاق، چاپلوسی و خطر گسترش آن به صورت اخلاق اجتماعی؛

۳. پرده‌دری، حرمت‌شکنی، قانون‌شکنی و جوسازی به عنوان وظیفه‌ای دینی یا حرکتی انقلابی؛

۴. بدگمانی به مردم و میل به تجسس در زندگی شخصی آنان و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن آنان به بی‌توجهی به نظم عمومی ؛

۵. توجیه تخلف از نظم اجتماعی به بهانه نداشتن سوءنیت؛

۶. گرایش به راه‌حل‌های شتاب‌زده و خشونت‌آمیز درباره مشکلات اجتماعی و معضلاتی که نیازمند به تحقیق و تدبیر است؛

۷. عوام‌زدگی و عوام‌فریبی با تکیه بر باورها، عادت‌ها و شیوه های نادرست رایج در جامعه؛

۸. تحت‌الشعاع قرارگرفتن حق در برابر شخصیت؛

۹. بی‌اعتنایی به امور و ارزش‌های ملی در جامعه؛

۱۰. نهی از منکر با توسل به منکرهای دیگر؛

۱۱. کار خود را ملاک خوب و بد دانستن و قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا کردن؛

۱۲. مصرف‌زدگی و ترویج روحیه مصرف‌گرایی به عنوان نماد پیشرفت.(۱)

۲. ارتقای معرفت و ایمان دینی

۲. ارتقای معرفت و ایمان دینی

یکی از وظایف مهم صدا و سیما، توسعه و ارتقای دو مقوله مهم و متفاوت معرفت دینی و ایمان دینی است. در بیان تفاوت دو مفهوم معرفت دینی و ایمان دینی می توان گفت معرفت دینی، شناخت و فهم دقیق مطالب و حقایق دین است، ولی ایمان دینی، باور به مطالبی است که به آن دست یافته‌ایم، به گونه ای که به طور کامل به آن پای بند باشیم و تردید در آن راه نیابد. برای فهم بهتر این دو مفهوم، می توان به مثال حضرت امام خمینی رحمه الله در این‌باره اشاره کرد. ایشان فرموده است:

انسان می داند کسی که از دنیا رفته و مرده]است[، هیچ کاری از او ساخته نیست، اما از نظر باور می گوید من از مرده می ترسم. در اینجا معرفت و علم پیدا کرده، ولی هنوز ایمان و باور به اینکه کاری از دست میت ساخته نیست، پیدا نکرده]است[. لذا از او می ترسد. ارتقای ایمان آن است که انسان به باور برسد. (۲)

ارتقای معرفت دینی در جامعه با تمسک به قرآن کریم و عترت، به عنوان دو منبع بزرگ معرفت دینی مسلمانان امکان‌پذیر است. بهره‌گیری از مفاهیم موجود در آیات قرآن و روایات و احادیث پیامبر اسلام و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) با پشتوانه استدلالی کامل و قوی، در برنامه های صدا و سیما در قالب برنامه کودک، فیلم، سریال، میزگرد و گفت‌وگو، تبلیغات و مانند آن، افزایش توجه مخاطبان به فرهنگ دینی در زندگی و در نتیجه، ارتقای سطح معرفت دینی را به همراه خواهد داشت. توجه به این مسئله که برنامه های کلیشه ای، مبهم و

۱- برگرفته از: ضوابط و معیارهای کیفی و کمی برنامه‌سازی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات روابط عمومی، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲- نک: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری، پایگاه اینترنتی: www.simayematloob.persianblog.com.

شبهه‌زا، به ایجاد معرفت سست، عوامانه و سطحی در اذهان مخاطبان و تضعیف ایمان می‌انجامد، لزوم توجه برنامه‌سازان به ایجاد معرفت دینی روشن‌بینانه و آگاهانه را افزایش می دهد.(۱)

تهیه برنامه‌هایی بر مبنای آموزش‌های درست و اصولی با بیان دینی روشن، قوی، هنرمندانه، متنوع و شبهه‌زا، در همه سطوح، ارتقای ایمان دینی را در پی خواهد داشت.

۳. برنامه‌ریزی برای مراسم دینی

۳. برنامه‌ریزی برای مراسم دینی

برگزاری مراسم دینی اعیاد یا ایام سوگواری و عزاداری در رسانه ملی صدا و سیما، به برنامه‌ریزی هوشمندانه نیاز دارد. پخش برنامه های دینی از نظر محتوا، زمان، گویندگان، عمل‌کنندگان، مکان برگزاری، چگونگی برگزاری و دیگر مسائل جنبی، باید با دقت و هشیاری کامل انجام شود. برنامه‌هایی که به مناسبت‌های مذهبی تهیه می شود، باید پر محتوا و مستدل باشد. اگر متن مکتوبی ارائه می شود، باید خوش قلم، ویرایش‌شده و جالب و جذاب باشد و اگر به صورت شفاهی بیان می شود، با بیان خوب، کلمات سنجیده، حساب‌شده و بدون آزار و توهین باشد. گوینده متن باید از آراستگی دینی برخوردار باشد. به این معنا که نگاه به او، مخاطب را به یاد خدا بیندازد، نه آنکه ظاهر گوینده، تبلیغ مادی گری باشد. دقت در زمان شروع، پایان و مدت پخش برنامه های دینی چون دعای ندبه و جلسه‌های عزاداری، استفاده از نوحه ها و اشعار مذهبی پرمحتوا بر اساس عقاید، احکام، آداب،

۱- برگرفته از: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری، پایگاه اینترنتی: simayematloob.persianblog.com.

تاریخ، اخلاق و فضایل اسلامی، از دیگر جنبه‌هایی است که نیازمند توجه برنامه‌سازان صداوسیماست.(۱)

۴. توجه به دانش

۴. توجه به دانش

فن آوری، پیشرفت و رونق کشور، در سایه دانش و تحقیق حاصل می گردد. ازاین‌رو، به‌منظور دست یابی به استقلال و عزت ملی که از نتایج پیشرفت علم و فن آوری و از تکالیف شرعی و عقلی است، ایجاد زمینه های پیشرفت علمی بسیار ضروری است. آغاز حرکت برنامه‌ریزی شده در مسیر تولید دانش، فکر و نظریه، با پرداختن به چیستی و چرایی مسائل به صورت علمی آغاز می شود.

تجدیدنظر در برنامه ها، درس‌ها و کتاب‌های دانشگاهی، ایجاد بحث‌های گروهی علمی در رسانه ها و ایجاد مرکزی برای تحویل گرفتن، بررسی و ثبت طرح‌های علمی، از جمله اقداماتی است که به این منظور می توان انجام داد. شروع و تداوم این حرکت گسترده علمی، نیازمند زمینه‌سازی، تبلیغ و تشویق رسانه ملی صدا و سیماست. مهم‌ترین نکته این حرکت و نهضت علمی، آن است که دانش، فکر و فن آوری حاصل از این جریان، عاریتی و به اصطلاح مونتاژ نباشد؛ زیرا این علم و فن آوری بیش از آنکه زمینه استقلال کشور و مبارزه با دشمنان را فراهم سازد، خود، موجب عقب‌ماندگی و سلطه استعمارگران می شود.(۲)

۵. برنامه‌ریزی برای سرگرمی و تفریح

۵. برنامه‌ریزی برای سرگرمی و تفریح

سرگرمی، شادی و تفریح، بخش مهمی از زندگی هر فرد را تشکیل می دهد. دین اسلام با تأکید بر اختصاص بخشی از زندگی روزانه به تفریح

۱- برگرفته از: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری، پایگاه اینترنتی: simayematloob.persianblog.com.

۲- برگرفته از: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری، پایگاه اینترنتی: simayematloob.persianblog.com.

و سرگرمی، نقش مهمی برای شادی در زندگی قائل است و به کسانی که مردم را شاد می کنند، پاداش بسیاری وعده داده است.

اما شادی چیست و عوامل ایجاد شادی کدامند؟ شادی زمانی در انسان به وجود می آید که وی احساس کند نیازهایش برطرف و فکرش آرام گشته است. در حقیقت، زمانی که انسان نیازی جسمی یا روحی داشته باشد، نوعی اضطراب، تردید و حیرت بر او حاکم خواهد بود.

اسلام با توجه به دو نکته، نخست، آگاهی از ذات بشر و اینکه نیاز بشر هیچ‌گاه پایان نمی یابد و اگر نیاز وی برطرف شد، نیاز بزرگ‌تری جای آن را می گیرد و دوم آنکه بخشی از نیاز های انسان نیازهای حقیقی نیست، راه کارهایی برای تأمین شادی معرفی کرده است. نخست آنکه انسان، بی‌نیازی روحی یا غنای روحی پیدا کند؛ یعنی به مقدار کفاف رضایت دهد. همچنین در امور مادی، به پایین دست خود و در امور معنوی، به بالا دست خود توجه کند و زهد و وابستگی نداشتن به دنیا را پیشه سازد. دیگر آنکه مؤمنان باید برای رفع نیاز و مشکلات برادران دینی خود بکوشند. اجرای این راه کارها، نوعی احساس بی‌نیازی را در انسان به وجود می‌آورد و از سوی دیگر، مؤمنان و مسلمانان را به بی‌نیازی از یکدیگر فرا می‌خواند و بر اثر این بی‌نیازی، شادی حاصل می شود.

اسلام به پیروان خود می آموزد که غصه، محنت و مشکلات، لازمه طبیعی زندگی است، ولی مهم آن است که مسلمان مؤمن، غم و اندوه خود را بیان نکند؛ زیرا این امر در انتقال شادی به جامعه و در نتیجه، پیشرفت آن بسیار مؤثر است.

رسانه ملی صـدا و سـیما، بـا الهـام از دسـتورهای اسـلام می توانـد در قـالب کلمـات زیبـا، لطیفـه هـای شـاد و مسـابقه‌هـای سرگرم‌کننده، در ایجاد شادی در جامعه نقش مهمی ایفا کند.

بی‌تردید، اجرای برنامه های طنز و مسابقه های سرگرم‌کننده، نیاز هر جامعه ای است، ولی باید کوشید اجرای این‌گونه برنامه هـا بـا ابتـذال و بی‌بنـدوباری همراه نباشـد. برنـامه طنز بایـد به نوعی رمزگونه باشـد. به عبـارت دیگر، هم اشارات شادی‌آور و پنددهنده داشته باشد و هم خالی از کلمات نیش‌داری باشد که به آبروی افراد آسیب وارد می کند و آنها را خجل می سازد. این‌گونه طنز، طنز فـاخری است که جامعه به آن نیاز دارد. در اجرای مسابقه‌ها نیز بایـد هـدف، محتوا و ابزار مورد استفاده، به طور کامـل مشـخص گردد و آن‌گاه برای آن برنامه‌ریزی شود. بایـد مسابقه‌ها به‌گونه ای باشـد که نیروها و استعدادهای نهفته افراد را شکوفا سازد.(۱)

۶. توجه به نقش و جایگاه زنان

۶. توجه به نقش و جایگاه زنان

دشـمنان اسلام و استعمارگران با وجود ادعاهای خویش مبنی بر ارزش نهادن به مقام زن و برابر دانستن آن با مرد، نه تنها زنان و دختـران را آمـاج تیرهـای زهرآگیـن خـویش قرار می دهنـد، بلکه می‌کوشـند از آنهـا به عنـوان وسـیله و ابزاری برای انتقـال فرهنگ مبتذل سرمایه‌داری غرب به دیگر جوامع به ویژه جوامع اسلامی استفاده کنند. استفاده مخرب از حضور زنان در جامعه و تجلی آنان در فیلم‌های مبتذل، جمله‌های نامناسب و تبلیغات کالاهای تجاری زنان، از نگرشی ابزارگونه به این قشر سازنده و مؤثر جامعه حکایت می‌کند.

۱- برگرفته از: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری، پایگاه اینترنتی: simayematloob.persianblog.com.

در مقابل، اسلام از دو دیدگاه به زن توجه می کند: یکی، از دیدگاه زن در برابر مرد و دیگری، زن به عنوان مادر یا همسر یا خواهر؛ موقعیت‌هایی که هر کدام احترام ویژه خود را دارد. دین اسلام با تأکید بر موقعیت ویژه زن و اینکه کشش‌های جنسی در زن نباید به مقام و ارزش او آسیب برساند، احکام ویژه‌ای را درباره چگونگی رابطه زن و مرد نامحرم دارد که رعایت آن احکام سبب پاک ماندن جامعه از فساد می شود. همه مسلمانان و حکومت‌های اسلامی موظف به رعایت دو نکته درباره زنان هستند؛ یکی آنکه حقوق آنها را به طور کامل رعایت کنند و به آنها ستم نکنند و دیگر آنکه به ارزش و عفت آنان تعرض نشود.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین جبهه های مقابله با استعمارگران فرانو، نه تنها می‌تواند با اجرای برنامه های مناسب، نقشه های شوم استعمارگران زرسالار را برای تضعیف هویت زن و کاهش نقش سازنده وی در جامعه به ابزار، خنثی کند، بلکه می‌تواند با تکریم شخصیت زن مسلمان، جایگاه حقیقی وی را در جامعه به تصویر بکشد.

آنچه سیمای جمهوری اسلامی ایران را از دیگر رسانه ها مشخص ساخته، این است که زنان بدون حجاب در عرصه ظاهر نمی گردند؛ در آرایش کردن، حدود احکام الهی را رعایت می کنند؛ در گفتار با نامحرمان، طنازی نمی‌کنند و در عین حال، در عرصه های اجتماعی حضور چشم گیری دارند. با وجود این، توجه و رعایت نکاتی درباره حضور زنان در صدا و سیما، این جبهه فرهنگی را در اجرای برنامه های خویش موفق‌تر خواهد ساخت.

در بسیاری از فیلم‌ها، برتری زن بر مرد به تصویر کشیده می‌شود و در بسیاری از موارد، حرف آخر را زن می زند و حرف او پذیرفته می شود، در حالی‌که درست‌تر آن است که حرف حق ملاک باشد، نه برتری زن و مرد.

چگونگی آرایش و لباس پوشیدن زنان در برنامه های تلویزیونی نیز آثار بسیاری بر جامعه خواهد گذاشت. درباره شیوه ورزش بانوان نیز اگرچه محافل ورزشی برای بانوان لازم است، ولی تشکیل تیم‌های ورزشی زیر نظر مردان و با حضور مردان و پخش آنها از صدا و سیما، همچنین حضور زنان در مسابقه‌های غیر ورزشی، پوشیدن لباس با رنگ و نشانه‌های ویژه و فعالیت در کنار مردان نامحرم، با حفظ حریم و ارزش زنان در تضاد است. در مجموع، نوع پوشش و حضور بانوان در رسانه ملی باید به‌گونه ای باشد که به گناه نینجامد.(۱)

پرسش‌های مردمی

پرسش‌های مردمی

۱. آیا واژه «استعمار فرانو» را شنیده‌اید؟ منظور از این واژه چیست؟

۲. در استعمار فرانو، مستعمره چیست؟

۳. روش‌های استعمارگران برای تضعیف باورها و اندیشه‌های اسلامی چیست؟

۴. نقش انحراف‌های اخلاقی در تحقق اهداف استعمارگران چیست؟

۵. معرفی چهره‌هایی مانند بن لادن و ملا عمر به عنوان شخصیت‌های محبوب جهان اسلام، با چه هدفی انجام می‌شود؟

۶. روش‌های مؤثر مبارزه با فساد و منکر در جوامع اسلامی چیست؟

۷. نام‌گذاری سال‌ها به نام ائمه معصومین(ع)، در برنامه‌های مقابله با استعمار فرانو چه اثری دارد؟

۸. نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ به نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی، در راستای مقابله با کدام یک از برنامه‌های استعمار فرانو است؟

۱- برگرفته از: صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری، پایگاه اینترنتی: simayematloob.persianblog.com.

۹. روش‌هایی که صدا و سیما برای گسترش فضیلت‌های اخلاقی می‌تواند از آنها بهره بگیرد، چیست؟

۱۰. در تهیه برنامه‌های ویژه مراسم دینی به چه نکته‌هایی باید توجه کرد؟

۱۱. توجه و رعایت چه نکته‌هایی درباره حضور زنان در صدا و سیما ضروری است؟

پرسش‌های کارشناسی

پرسش‌های کارشناسی

۱. در استعمار فرانو، اولویت با کدام یک از انواع سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است؟

۲. تضعیف و تخریب چهره روحانیت در جامعه‌های اسلامی، بر اساس کدام برنامه استعمار فرهنگی صورت می‌گیرد؟

۳. ترویج ایمان بدون ولایت و تحریف مفاهیم والای اسلامی، بر اساس کدام برنامه استعمار فرهنگی صورت می‌گیرد؟

۴. تضعیف خط و زبان ملی و ترویج خط و زبان جوامع غربی، بر اساس کدام برنامه استعمار فرهنگی صورت می‌گیرد؟

۵. تظاهر به وجود خوش‌بختی و آرامش در جامعه‌های غربی، بر اساس کدام برنامه استعمار فرهنگی است؟

۶. تطمیع و جذب شخصیت‌های برجسته علمی، ورزشی و هنری جامعه‌های اسلامی، بر اساس کدام برنامه استعمار فرهنگی صورت می‌گیرد؟

۷. پیوند نام اسلام و مسلمانان با واژه تروریسم، بر اساس کدام برنامه استعمار فرهنگی صورت می‌گیرد؟

۸. شناخت تاریخ و فرهنگ ملی اسلامی در مبارزه با برنامه‌های فرهنگی استعمار فرانو چه نقشی دارد؟

۹. ویژگی‌های اصلی استعمار فرانو چیست؟

۱۰. به چه کسانی زرسالاران اقتدارطلب گفته می‌شود؟

۱۱. شناساندن ماهیت فرهنگ سرمایه‌داری چه اثری در مبارزه با استعمار فرانو دارد؟

۱۲. اهداف اصلی غرب از اجرای طرح نظم نوین جهانی چیست؟

۱۳. آیا استعمار فرانو با تحولات جهانی شدن هم سوست؟

۱۴. ماهیت تقابل اسلام و زرسالاران اقتدارطلب در چه عواملی ریشه دارد؟

۱۵. مهم‌ترین شیوه‌های استعمارگران برای تهاجم فرهنگی به یک ملت چیست؟

۱۶. نخستین گام مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟

۱۷. بنیادی‌ترین روش مقاومت فرهنگی در برابر تهاجم استعمارگران چیست؟

۱۸. مهم‌ترین ابزار فرهنگی استعمار فرانو کدامند؟

۱۹. از دیدگاه مقام معظم رهبری، مواضع جامعه‌های اسلامی در رویارویی با استعمار فرانو چگونه است؟

۲۰. نقطه آغاز نابودی ارزش‌ها و باورهای دینی چیست؟

۲۱. برنامه‌های جوامع اسلامی در مقابله با استعمار فرانو چیست؟

۲۲. مهم‌ترین ابزار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با استعمار فرانو چیست؟

۲۳. طرح مباحث دینی در قالب برنامه‌های کلیشه‌ای مبهم و شبهه‌زا در صدا و سیما چه نتایجی به همراه دارد؟

کتاب‌نامه

اشاره

کتاب‌نامه

۱.احمدی، محمدرضا، مقاله «استعمار فرانو و توان مندی های ایران»، نشریه اشراق اندیشه، شماره ۲۶، ۱۳۸۵.

۲.امام خمینی، نگرشی موضوعی بر وصیت نامه سیاسی ـ الهی امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸.

۳.امامی، محمد جعفر، صدا و سیمای مطلوب از نگاه رهبری، ۱۳۸۴، پایگاه اینترنتی simayematloob.persianblog.com

۴.حایک، مریم، بررسی جایگاه سازمان اوپک در نظم نوین جهانی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.

۵.خواجه، رمضان علی، مقاله « خطراتی که جوانان را تهدید می کند و راه جلوگیری آن»، ماه نامه تربیت، شماره ششم، ۱۳۸۲.

۶.راه کارها و چالش های مقابله با ناتوی فرهنگی، بسیج فرهنگی؛ اولین گام مبارزه، پایگاه اینترنتی kayhannews.ir ..

۷.ضوابط و معیارهای کیفی و کمی برنامه سازی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (جزوه)، انتشارات روابط عمومی سازمان صدا و سیما.

۸.عابد الجابری، محمد، مقاله «ماهیت روابط اسلام و غرب»، ترجمه: صالح واصلی، پایگاه اینترنتی: www.al-shia.com.

۹.فروغی، «سمپوزیوم تصویر اسلام در کتب درسی غرب»، ماه نامه اسلام و غرب، شماره ۳۰ و ۳۱، پایگاه اینترنتی: www.hawzah.net

۱۰.میرمعزی، سیدحسین، مقاله « نقدی بر اهداف نظام سرمایه داری از دیدگاه نظام اسلام»، پایگاه اینترنتی www. Library .tebyan.net

۱۱.نوری مطلق ، علی، نقش رسانه در تبیین دفاع و هجوم فرهنگی، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳.

ص:۱۰۲

۱۲.نوید، مهدی، فرهنگ و مقاومت فرهنگی، انتشارات محسنی، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۱۳.هراتی، حمید، مقاله «تجارت قرن ۲۱»، پایگاه اینترنتی: www.golha . net

۱۴.ونکی فراهانی، محمد، گذری بر اندیشه دینی در غرب، مرکز پژوهش¬های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۴.

پایگاه‌های اینترنتی

پایگاه‌های اینترنتی

۱. www irib.ir / occasions/ article

۲. www.leader.ir / langs

۳. www. Irib.ir / radio / javan

۴. www.mehrnews.com

۵. www.sharif news.ir

۶. www.javaneiran.net

۷. www. Porsogoo.com.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹